همجنس گرایی
و
همجنس بازی



بسم الله الرحمن الرحیم

همجنس گرایی و همجنس بازی

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

همجنس گرایی و همجنس بازی

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی آقابابائی

ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

چکیده

یکی از انحرافاتی کـه متاسـفانه در این جـامعه ای که در آن زنـدگی می کنیم، جـامعه ای که از همه طرف مـورد تهـاجم دشـمنان داخلی و خـارجی از طریق تبلیغـات از رسانه ها، ماهواره ها، سـی دی ها، کتاب های رمان دارد به جوان ایرانی حمله می شود و این جوان را دارد از پـای در می آورد و وارد منجلاـب فسـادی کرده به نـام همجنس بازی و همجنس گرایی می باشـد که این عمل در بعضـی از زنـان و مردان وجـود دارد. که در مردان به آن لـواط و در زنـان به آن مسـاحقه می گوینـد. در این مقـاله سـعی شـده که راههای مبتلا شدن به این پدیده خطرناک مورد بحث و بررسی قرار گرفته و راههای جلوگیری از این فعل، از روایات و منظر و دید جامعه شناسی مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است امید است که مقوبل درگاه احدیت واقع شود.

واژگان کلیدی

لواط، همجنس بازی، همجنس گرایی، مساحقه، حد

مقدمه

از آنجایی که قوانین اسلام برای بشر قوانینی تشریعی و تکوینی می باشد. و خلقت موجودات بر دو گونه است: گونه¬ی اول: مبنی بر تولـد است و آنهـا حیوانـاتی هسـتند که خلقت آنهـا دو (نر و ماده) لازم نـدارد بلکه روی عواملی آفریـده می شونـد بـدون اینکه احتیاج به جفت دیگری داشته باشـند. گونه¬ی دوم: مبنی بر توالـد است مثل انسان که خلقت آنها مبنی بر جفت گیری است خـدا در این رقم حیوانـات مـاده ای به نـام منی یـا نطفه خلق کرده است هم در نر و هم در مـاده و این دو ماده با هم مخلوط می شونـد و تولیـد مثـل می کننـد و اگر این دو ماده نباشـند نسل آن حیوان منقطع می شود و برای این دو ماده در نر جای معین و مشـخص قرار داده و در مـاده هـم همینطـور و نیز محـل معین و مشخصـی برای اختلاـت این دو مـاده قرار داده و بعـد از اختلاـل هم جـای معین و مشخصـی برای نشو و نما قرار داده تا آن وقت که «مثل» از نظر خلقت کامل شود و غرض از خلقت این دو ماده (تولید مثل) بدسـت آید.

این: عالم خلقت تکوینی حیوانات توالدی هستند و اگر یکی از این مراتب جا به جا شود این نطفه که خدا خلق کرده برای بقاء نسل ضـایع می شود. در حیوانـات دیگر غیر انسـان چون عقل ندارنـد عالم تشـریع ندارنـد اما انسان چون عقل دارد علاوه بر عالم تکوین عالم تشریع هم دارد و عالم تشـریع هم مثل عالم تکوین است و به انـدازه سـر سوزنی نبایـد جا به جا شود. اگر جابجا شـد غرض از خلقت (تولیـد مثل) ضایع و کان لم یکن می شود انسان مسـئول است و در عالم ازدواج اگر به همان ترتیب که درعالم تکوین گفته شـد (البته بـا مجوز شـرعی) رفتار شـد غرض از خلقت (تولیـد مثل) تضـییع نشـده و انسان مسـئول نیست و الا (اگر جابجا شـد) مثل مسـاحقه و لواط و اسـتمناء شـد انسـان مسـئول است چون نطفه که خـدا خلق کرده برای بقـاء نسل آن را ضایع و کان لم یکن کرده علاوه می شود بر اینها عدم تمایل به جنس مخالف و تولید امراض گوناگون و عقیم شدن چون نطفه در غیر محل ریخته می شود و

اسلام در مورد لواط مجازات سنگینی قرار داده حتی تا سر حد اعدام.
و در اینجا ما به راههای پیشگیری از این اعمال شنیع می پردازیم و مورد بحث و بررسی قرار داده این این امور خطرناک را برای فردی که وارد آن صحنه شود و خود را به آن آلوده نماید و از راه روایات و جامعه شناسی و دیگر طرق دیگری به این مبحث پرداخته ایم و زمینه ای مبتلا شدن به آن و راههای جلوگیری از آن بیان نموده ایم و راههای صحیح ارضای میل جنسی اشاره شده است..
فصل اول: ارضای میل جنسی

فصل اول

ارضای میل جنسی

اشاره

انسان مجموعه ای از روح و بدن است و این دو بخش به نوبه ی خود نیازهایی دارند که باید به موقع رفع شود. نیازهای انسان مختلف و گوناگون است و در سطوح متفاوت ظاهر می گردد. «مزلو» نیازهای انسانی را بر اساس سلسله مراتب ویژه ای تنظیم کرده و معتقد است نیازهای جنسی بشر (مانند نیاز به غذا، آب، هوا و خواب) جزء نیازهای جسمانی محسوب می شود. او هم چون بسیاری از روان شناسان دیگر، ارضای میل جنسی را برای نسل بشر اساسی می داند.(۱)

تعریف ارضای میل جنسی

آنگاه که نیازی در انسان به وجود می آید، فرد آرامش و قرار ندارد تا این که آن نیاز بر طرف گردد. وقتی که نیازمندی برطرف شد، شخص راضی می شود و از تلاش برای رفع آن صرف نظر می کند. نیاز شکل گرفته ممکن است واقعی باشد؛ همان گونه که ممکن است خیالی باشد؛ به این معنا که فرد در واقع نیازی ندارد؛ اما خیال می کند که نیازمند است. غریزه و میل جنسی نیز بخشی از غرایز انسانی است و هنگامی که در انسان شکل گرفت، باید آن را برآورده کرد؛ از این رو ارضای میل جنسی، عبارت است از رفع نیاز از غریزه.(۲)

راههای ارضای میل جنسی

انسان از راه های مختلفی می تواند نیاز جنسی خود را برطرف کند؛ اما صرف وجود راه های متنوع دلیل بر صحیح بودن همه ی آنها نیست؛ مثل این که کسی بخواهد از مکان مرتفعی پایین بیاید؛ او می تواند از نردبان، پله یا طناب استفاده کند و یا خود را از بالا به پایین بیندازد. این فرد از هر ابزاری استفاده کند، خواه ناخواه به پایین می رسد؛ اما این که چه ابزاری باشد و چگونه مورد استفاده قرار گیرد، فرق می کند. انسان برای ارضای نیاز جنسی خود راه های گوناگونی مانند ازدواج، همجنس بازی و خود ارضایی را پیش روی خود دارد؛ اما باید بنگرد که کدام یک از نظر شرعی، اجتماعی و قانونی صحیح است تا همان را برگزیده و از بقیه اجتناب کند. دین مبین اسلام انسان را به ارضای طبیعی غریزه ی جنسی از طریق ازدواج فرا خوانده است.
گاهی ارضا به وسیله ی موجود غیر زنده رخ می دهد؛ مثلاً لباس جنس مخالف می پوشد و از نظر جنسی لذت می برد. گاهی به وسیله موجود زنده انجام می شود که این خود دو گونه است: گاهی با موجود زنده غیر انسان است و گاهی به وسیله انسان. آن گاه که بوسیله انسان است، دو صورت دارد: گاهی به وسیله خود فرد انجام می وشد که «خودارضایی» نام دارد . خودارضایی در مردها

به «استمناء» و در زن ها به « استشهاء» معروف است. گاهی ارضا به وسیله فرد دیگری تحقق می یابد؛ این هم دو قسم است:

۱- هر دو هم جنس باشند که به «هم جنس بازی» مشهور می¬باشد به این عمل در مردان «لواط» و در زنان «مساحقه» گفته می شود.

۲- غیر هم جنس باشد که در این صورت اگر عمل جنسی آن دو طبق موازین قانونی و شرعی صورت می گیرد، به آن «ازدواج»، اگر خارج از موازین و مقررات باشد، به آن «زنا» گفته می شود.

راه سالم ارضای میل جنسی

برای رشد و نمو، تولید، تکثیر و بقای نوع انسانی، شهوت های گوناگونی در انسان قرار داده شده است و باید به گونه ای که با هدف خلقت منافات نداشته باشد، آن ها را ارضاء کرد. کسی که تشنه یا گرسنه است، آرامش ندارد؛ آن که نیاز به خواب دارد، قرار ندارد تا این که این میل ارضا شود.

کسی که میل جنسی در او شکل گرفته، باید آن را ارضا کند تا به سکون و آرامش برسد. سخن در این است که آیا اصل اولی در مورد نیازهای طبیعی (مانند آن ها خوردن و آشامیدن و نیاز جنسی) و عدم آن سرکوب، کنترل و تعدیل آنها اصل ثانوی به حساب می آید و یا بر عکس، اصل این است که انسان غرایز و امیال خود را سرکوب کند و از روی ناچاری و اضطرار آن ها را ارضا نماید؟(۳)

آیت الله ابراهیم امینی معتقد است:

نیاز جنسی مانند نیاز به آب و غذاست. مگر به یک انسان گرسنه یا تشنه می توان گفت: از خوردن آب و غذا خودداری کن؟ مگر کار دیگری حتی ورزش و تفریح و بازی می تواند انسان گرسنه و تشنه را از فکر غذا و آب منصرف سازد؟ نیاز جنسی مانند گرسنگی و تشنگی ؛ بلکه به مراتب شدیدتر و نیرومندتر از آن ها می باشد. اگر از طریق مشروع ارضا نشد، ممکن است جوان را به سوی انحراف و گناه بکشد و مهار کردن آن بسیار دشوار است... . بر فرض این که جوان توانست با نیروی ایمان و عفت و حیاء غریزه ی نیرومند جنسی را مهار کند و دامن خود را به گناه آلوده نسازد؛ اما با عواقب سوء روانی و جسمانی آن چه باید کرد؟ بنابر این در سنین معین جز ازدواج چاره ای نیست.(۴)

از ظاهر آیات و روایات نیز استفاده می شود که اصل اولیه در نیازهای طبیعی، ارضا کردن آن است؛ از این رو اشباع انگیزه ها امری طبیعی است که به اقتضای وجود و سرشت انسان صورت می پذیرد و ادامه ی زندگی و بقای نوع به اشباع آنها بستگی دارد؛ از این جهت احکام و فرمان های موجود در قرآن و سنت در خصوص این انگیزه ها، با فطرت انسان هماهنگی دارد و اشباع آن ها را می پذیرد و به آن ها اقرار می کند و در حدودی که شرع مقدس اجازه می دهد، خواهان اشباع آن هاست.

تنها راه صحیح ارضای نیاز جنسی در انسان ازدواج است، چه دائم و چه موقت. البته منظور ما از ازدواج، پیوند زناشویی بین دو جنس مذکر و مونث می باشد، نه ازدواج هم جنس با هم که امروزه در بعضی از کشورها نوعی ازدواج به حساب می آید و حتی به صورت قانونی در آمده است.

راه های ناسالم ارضای میل جنسی

اگر انسان در ارضای انگیزه ها زیاده روی کند؛ به گونه ای که استفاده از آن ها هدف اصلی قرار گیرد، انگیزه ها از اهداف اصلی خود دور شده اند و دیگر وسیله ای برای ادامه زندگی فرد و بقای نوع به شمار نمی آیند؛ بلکه خودشان فی نفسه به هدف نهایی تبدیل می شوند. در این صورت انسان در مهار کردن انگیزه های خود و مسلط بودن بر آن ها شکست می خورد و امیال و غرایز بر او حاکم می شوند. یکی از مهمترین انگیزه های فیزیولوژیک که در معرض انحراف قرار دارد، انگیزه جنسی است. میل جنسی

مانند سایر نیازها، امری طبیعی است که باید ارضا شود و اصل اولی هم ارضای آن می باشد. با این حال اگر کسی امکان ازدواج ندارد، نباید به راه های ناصواب میل جنسی رو بیاورد. انحرافاتی که ممکن است در انگیزه جنسی رخ دهد، فراوان است. در این جا ما فقط به بررسی مهم ترین راه های غیر صحیح میل جنسی می پردازیم.

هم جنس خواهی

هم جنس خواهی به این معناست که انسان میل جنسی خود را با انسان دیگری از جنس خود ارضا کند.

انواع هم جنس

اشاره

انسان از دو جنس خارج نیست: یا مذکر است و یا مونث؛ از این رو دو نوع هم جنس خواهی بیش تر وجود ندارد که در این جا به توضیح آن دو می پردازیم.

لواط

به ارتباط جنسی دو مذکر با هم لواط گفته می شود. از منابع اسلامی استفاده می شود که این انحراف از زمان قوم لوط شروع شده است،

مساحقه

عبارت است از ارضای میل جنسی جنس مونث با هم جنس خود. در این هم یکی در نقش فاعل و دیگری در نقش مفعول ظاهر می شود و ممکن است به صورت های مختلفی، از جمله تماس با بدن هم جنس مونث، در آغوش کشیدن و یا مباشرت باشد.

فصل دوم

آثار هم جنس خواهی

تمایل به جنس موافق، موجب می شود که انسان به ارضای غریزه جنسی با هم جنس خود متمایل گردد. این میل در ابتدا ضعیف است؛ ولی در ادامه شدت پیدا می کند تا جایی که فرد تن به این کار می دهد و نیاز جنسی خویش را با هم جنس ارضاء می کند.

از دیگر آثار این انحراف، پیدا شدن احساس زنانه در فرد و ضعف مفرط جنسی فاعل و مفعول (به اصطلاح سرد مزاجی) است؛ به گونه ای که بعد از مدتی قادر به آمیزش جنسی به صورت طبیعی نیستند. از طرف دیگر، از دست دادن احساسات طبیعی بر روح و جسم اثر بد می گذارد؛ در خود یک نوع از خود بیگانگی نسبت به خویشتن و جامعه می بینند و قدرت اراده را که رمز توفیق در کارهاست، کم کم از دست می دهند و سرانجام یک نوع سرگردانی و بی تفاوتی در روح آنان ایجاد می شود.(۵)

بلای همجنس گرائی !

(همجنس گرائی) چه در میان مردان باشد (لواط) و چه در میان زنان (مساحقه) از بدترین انحرافات اخلاقی است که سرچشمه مفاسد زیادی در جامعه خواهد بود.

اصولاـ طبیعت زن و مرد آن چنان آفریده شده است که آرامش و اشباع سالم خود را در علاقه به جنس مخالف (از طریق ازدواج سالم) می بینند، و هرگونه تمایلات جنسی در غیر این صورت ، انحراف از طبع سالم انسانی و یک نوع بیماری روانی است که اگر

به آن ادامه داده شود روز به روز تشدید می گردد و نتیجه اش بی میلی به (جنس مخالف) و اشباع ناسالم از طریق (جنس موافق) است .

این گونه روابط نامشروع در ارگانیسم بدن انسان و حتی در سلسله اعصاب و روح اثرات ویرانگری دارد: مرد را از یک مرد کامل بودن ، و زن را از یک زن کامل بودن ساقط می کند، به طوری که چنین زنان و مردان همجنس باز، گرفتار ضعف جنسی شدید می شوند و قادر نیستند پدر و مادر خوبی برای فرزندان آینده خود باشند و گاه قدرت بر تولید فرزند را به کلی از دست می دهند.

افراد (همجنس گرا) تدریجا به انزوا و بیگانگی از اجتماع و سپس بیگانگی از خویشتن رو می آورند، و گرفتار تضاد پیچیده روانی می شوند، و اگر به اصلاح خویش نپردازند ممکن است به بیماریهای جسمی و روانی مختلفی گرفتار شوند.

به همین دلیل و به دلائل اخلاقی و اجتماعی دیگر، اسلام شدیدا همجنس گرائی را در هر شکل و صورت تحریم کرده ، و برای آن مجازاتی شدید که گاه به سرحد اعدام می رسد قرار داده است .

موضوع مهم این است که بی بندوباری و تنوع طلبی بیمارگونه دنیای متمدن مادی ، بسیاری از پسران و دختران را به سوی این انحراف بزرگ می کشاند، نخست پسران را تشویق به لباسهای جلف و زنانه و خودآرائی مخصوص و دختران را به لباسهای پسرانه دعوت می کند، و از اینجا انحراف و همجنس گرائی شروع می شود تا جائی که به وقیحترین اعمال در این زمینه ، شکل قانونی می دهند و از هرگونه پیگرد و مجازات برکنار می دادند که قلم از شرح و وصف آن شرم دارد.(۶)

برخی از عوامل هم جنس خواهی

بستر پیدایش هم جنس بازی این است که افرادی که به تازگی نقش جنسی خود را کشف کرده اند و در بیان مسایل شخصی با دیگران خجالت می کشند و بنابراین به دنبال محرم رازند؛ از این رو دوستانی همدل و هم راز پیدا می کنند. بحران غریزه و زمینه ی روانی سبب می شود آنان با هم به انحرافات تن دهند و کار به انجام اعمال منافی عفت بکشد.

گاهی این عمل به دلیل شرم و حیای افراطی یا برای جلب محبت و یافتن تحسین دیگران در عمل صورت می پذیرد و ممکن است به سبب وسوسه ها و دسترسی نداشتن به جنس مخالف باشد.(۷)

علاوه بر عوامل بالا ، هم جنس خواهی ممکن است از عوامل زیر نیز ناشی شود:

۱–قانع نبودن از ارضای نیاز جنسی بوسیله ی جنس مخالف (همسر)

۲– دوستی های بی حساب نسبت به هم جنس.

۳– ارتباط زیاد با افراد هم جنس زیبا یا توجه بیش از حد به تصویر آنان.

۴– زندگی دسته جمعی افراد هم جنس؛ مانند زندگی در پادگانها و خوابگاههای مدارس و دانشگاهها

۵– محیط های خانه، مدرسه و ... که آلوده باشد.

۶– آزادی فردی در ارتباط ، معاشقه و شوخی با هم جنس.

۷– تماس جسمی با هم جنس

۸– زیاد نشستن در توالت.

۹– نا رضایتی از تجربه ی جنسی گذشته با جنس مخالف.

در یک تحقیق این نتیجه به دست آمده است که زنان و مردان هم جنس خواه مورد پژوهش ، در دوران کودکی و نوجوانی چندان هم از تجارت دیگر جنس خواهی بی بهره نبودند. فرقی که آنان ازاین لحاظ با همگنان دگر جنس خواه خود داشتند، این بود که این تجربه ها را مایه خوشنودی نیافته بودند.

۱۰- ارتباط ضعیف با پدر

در همین پژوهش نتیجه گرفته اند که در مورد زنان و مردان مورد پژوهش ، به نظر می رسید که ارتباط ضعیف با پدر نقش بیشتری در مستعد ساختن آنان به هم جنس خواهی آنان داشته است تا کیفیت ارتباطشان با مادر.

این بررسی نشان می دهد که تداوم در خور توجهی بین احساسات جنسی دوران کودکی فرد و رجحان جنسی او در دوره ی بزرگسالی وجود دارد بر خلاف نظر رایجی که در آن پدر و مادر به گونه ای مسئول هم جنس خواهی فرزند خود شناخته می شوند، این تحقیق نشان می دهد در تعیین رجحان جنسی، پدر و مادر نقش مهمی ندارند. رجحان جنسی به الگوی پیچیده ای از احساسات و واکنش های خود کودک بستگی دارد که هنوز به آن پی نبرده ایم.(۸)

فصل سوم

امراض و بیماری های همجنس بازان

بیماری های روده ای در همجنس بازان

سندرم روده ای همجنس بازان (Gay bowel syndrome) اصطلاحی است که در اواخر دهه ی هفتاد میلادی مرسوم شد و به معنی گروهی از عفونت های روده ای در مردان همجنس بازان نیز به نوعی شیوع دارد ولی این اصطلاح در این مورد دقت کافی ندارد.

همجنس بازان مرد در خطر بیشتری هستند زیرا نوع خاصی از تماس جنسی را تجربه می کنند و شرکای جنسی در آنها متعدد است و در عین حال زودتر برای درمان مراجعه می کنند.

تماس جنسی در همجنس بازان مرد باعث می شود که عوامل بیماری زای روده ای از فردی به فرد دیگر منتقل شود.

تماس جنسی از راه معقد و سپس تماس دهانی در شریک جنسی دیگر یکی از دیگر راههای انتقال این بیماریهاست. اگر چه بسیاری از همجنس بازان مرد ممکن است برای مدتهای طولانی یک شریک جنسی را انتخاب کنند ولی فرهنگ کلی در این گروه داشتن شرکای جنسی متعدد است که خود آنها نیز در سطح وسیعی شریک جنسی متعدد دارند. به طوری که یک مرد همجنس باز ممکن است در طول زندگی به هزار شریک جنسی برخورد کند و حتی گاهی در یک جلسه با چند نفر تماس جنسی اتفاق افتد به طوری که تعداد شرکای جنسی را در سال گاهی به صد نفر می رساند. در عین حال ناشناس بودن شرکای جنسی به مراتب خطر بیشتری نسبت به تعداد آنها محسوب می شود زیرا پیگیری راه اپیدمیولوژیک را بسیار مشکل می کند.

بسیار از بیماریها ممکن است به صورت بی علامت در فردی موجود باشند به همین دلیل این افراد هرگز دنبال درمان نخواهند رفت و بسیاری افراد دیگر را آلوده می کنند.

دلایل دیگری نیز برای انتقال بیماری در این گروه وجود دارد که شامل:

-کمبود ایمنی به صورت بالقوه در بعضی از همجنس بازان مرد وجود داردد.

- ارزیابی غیر دقیق بعضی از پزشکان که نه عامل اتیولوژیک در پیگیری و نه بیمار را به عنوان همجنس باز شناسایی می کنند.

- نقش آلت تناسلی مردانه به عنوان یک ابزار آسیب رسان به مخاط و انتقال دهنده عامل بیماری زا.

عوامل قابل انتقال در همجنس بازان

این عوامل عمده شامل باکتریها، انگل ها، اسپیروکت ها، ویروسها و قارچ هاست. بیماری های روده ای در این گروه عبارت است از پروکیت، کولیت و آنتریت هاست. باید توجه داشت که علائم بیماری های روده ای بسیار محدود است و از طریق این علائم

نمی توان پاتوژن تاکید نمود و در عین حال یک بیمار همزمان ممکن است چند نوع از ارگانیسم های پاتوژن را حمل نماید.(۹)

التهاب معده (proctitis)

این حالت عمدتاً با تیسفموس ، درد آنورکتال و ترشح از معقد بروز می کند. تب، خارش معقد و تغییر در اجابت مزاج کمتر ظاهر می شوند. شایعترین عوامل ایجاد کننده آن عبارتند از: نیسریاگونوره، ترپونم سیفلیس، و کلامیدیاتراکوماتیس، که حداقل هشتاد درصد موارد را تشکیل می دهند.

عوامل دیگری نیز در این رابطه شناسایی شده اند و حداقل در یازده درصد موارد عامل ایجاد کننده آن متعددند بسیاری از موارد پروکتیت گونوکوکی بدون علامت بوده و در کشت روتین از رکتوم تشخیص داده می شوند. بسیاری مطالعات نشان داده اند که پنجاه درصد مردان همجنس بازی که به کلینیک بیماری های مقاربتی مراجعه می کنند کشت مثبت از نظر سوزاک دارند. افراد واجد علامت معمولاً از درد رکتوم و ترشح شکایت دارند. آلودگی با کلامیدیا نیز علائمی شبیه به این دارد در حالی که پروکتیت زخمی ناشی از هرپس بسیار دردناکتر است. در هرپس ضایعات و زیکولار ممکن است در اطراف معقد قابل رؤیت باشند.

بیماری های ناشی از ترپوسماپالیدوم معمولاً همراه با درد و ترشح خونی از معقد است. گاهی فقط با مشاهده یک توده بدون درد و یا یک زخم در رکتوم می توان تشخیص داد. (۱۰)

فصل چهارم

همجنس گرایی از دیدگاه قرآن

در قرآن مجید در سوره های اعراف ، هود، حجر، انبیاء، نمل و عنکبوت اشاراتی به وضع قوم لوط و گناه شنیع آنها شده است ، منتها در هر مورد تعبیرش با مورد دیگر متفاوت است ، در حقیقت هر کدام از این تعبیرات به یکی از ابعاد شوم این عمل ننگین اشاره می کند:

در سوره اعراف می خوانیم که لوط به آنها می گوید: بل انتم قوم مسرفون شما جمعیتی اسرافکارید (اعراف - ۸۱).

در سوره انبیاء می خوانیم : و نجیناه من القریه التی کانت تعمل الخبائث انهم کانوا قوم سوء فاسقین: ما لوط را از قریه ای که خبائث انجام می داد رهائی بخشیدیم ، آنها قوم بد و فاسقی بودند (انبیاء - ۷۴)

و در سوره شعراء آیه ۱۶۶ می خوانیم که لوط به آنها می گوید: بل انتم قوم عادون : شما جمعیت تجاوزگری هستید.

و در سوره نمل آمده است : بل انتم قوم تجهلون : شما قومی جاهل و نادانید (نمل - ۵۵).

و در سوره عنکبوت آیه ۲۹ از زبان لوط چنین آمده است که به آنها می گوید: انکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل : شما به سراغ مردان می روید و راه فطرت و نسل انسان را قطع می کنید.

به این ترتیب این عمل زشت تحت عنوان اسراف ، خبیث ، فسق ، تجاوز، جهل ، قطع سبیل مطرح شده است .

اسراف از این نظر که آنها نظام آفرینش را در این امر فراموش کرده و از حد تجاوز نمودند و تعدی نیز به همین خاطر بر آن اطلاق شده است .

خبیث به معنی کار یا چیز آلوده ای است که طبع سالم آدمی از آن تنفر دارد، و چه عملی از این عمل تنفر آمیزتر است .

فسق به معنی خروج از اطاعت پروردگار و برهنگی از شخصیت انسانی است که از لوازم حتمی این کار است .

جهل به خاطر بی خبری از عواقب شومی است که این عمل برای فرد و جامعه دارد.

و بالاخره قطع سبیل نتیجه شوم این عمل را که در صورت گسترش منتهی به قطع نسل انسانی می گردد، چرا که تدریجا علاقه به

جنس موافق جانشین علاقه طبیعی به جنس مخالف می شود می باشد.

عذابهای قوم لوط بر ظالمین:

در قرآن مجید سه نوع عذاب برای قوم لوط بیان فرموده: صیحه باریدن سنگ عذاب بر آنها، زیر و رو شدن شهرهای آنها، بعد می فرماید: عذابی که بر قوم لوط نازل شد از ظلم کنندگان دور نیست.(۱۱) و این تهدید سختی است به کسانی که عمل آنها را مرتکب می شوند.

فصل پنجم

فلسفه همجنس گرایی

گر چه در دنیای غرب که آلودگیهای جنسی فوق العاده زیاد است ، این گونه زشتیها مورد تنفر نیست و حتی شنیده می شود در بعضی از کشورها همانند انگلستان طبق قانونی که با کمال وقاحت از پارلمان گذشته این موضوع جواز قانونی پیدا کرده !!

ولی شیوع این گونه زشتیها هرگز از قبح آن نمی کاهد و مفاسد اخلاقی و روانی و اجتماعی آن در جای خود ثابت است .

گاهی بعضی از پیروان مکتب مادی که اینگونه آلودگیها را دارند برای توجیه عملشان می گویند ما هیچگونه منع طبی برای آن سراغ نداریم !.

ولی آنها فراموش کرده اند که اصولا هر گونه انحراف جنسی در تمام روحیات و ساختمان وجود انسان اثر می گذارد و تعادل او را بر هم می زند.

توضیح اینکه: انسان به صورت طبیعی و سالم تمایل جنسی به جنس مخالف دارد و این تمایل از ریشه دارترین غرائز انسان و ضامن بقاء نسل او است .

هر گونه کاری که تمایل را از مسیر طبیعیش منحرف سازد، یکنوع بیماری و انحراف روانی در انسان ایجاد می کند.

مردی که تمایل به جنس موافق دارد و یا مردی که تن به چنین کاری می دهد هیچکدام یک مرد کامل نیستند، در کتابهای امور جنسی هموسکو آلیسم (همجنس گرائی) به عنوان یکی از مهمترین انحراف ذکر شده است .

ادامه این کار تمایلات جنسی را نسبت به جنس مخالف در انسان تدریجا می کشد و در مورد کسی که تن به این کار در می دهد احساسات زنانه تدریجا در او پیدا می شود، و هر دو گرفتار ضعف مفرط جنسی و به اصطلاح سرد مزاجی می شوند، به طوری که بعد از مدتی قادر به آمیزش طبیعی (آمیزش با جنس مخالف) نخواهند بود.

با توجه به اینکه احساسات جنسی مرد و زن هم در ارگانیسم بدن آنها مؤ ثر است و هم در روحیات و اخلاق ویژه آنان ، روشن می شود که از دست دادن احساسات طبیعی تا چه حد ضربه بر جسم و روح انسان وارد می سازد، و حتی ممکن است افرادی که گرفتار چنین انحرافی هستند، چنان گرفتار ضعف جنسی شوند که دیگر قدرت بر تولید فرزند پیدا نکنند.

این گونه اشخاص از نظر روانی غالبا سالم نیستند و در خود یکنوع بیگانگی از خویشتن و بیگانگی از جامعه ای که به آن تعلق دارند احساس می کنند.

قدرت اراده را که شرط هر نوع پیروزی است تدریجا از دست می دهند، و یکنوع سرگردانی و بی تفاوتی در روح آنها لانه می کند.

آنها اگر به زودی تصمیم به اصلاح خویشتن نگیرند و حتی در صورت لزوم از طبیب جسمی یا روانی کمک نخواهند و این عمل به صورت عادتی برای آنها در آید، ترک آن مشکل خواهد شد، ولی در هر حال هیچ وقت برای ترک این عادت زشت دیر

نیست ، تصمیم می خواهد و عمل .

بـه هر حـال سرگردانی روانی تـدریـجا آنها را بـه مـواد مـخـدر و مشروبات الکلی و انحرافات اخلاقی دیگر خواهـد کشانیـد و این یک بدبختی بزرگ دیگر است .

جالب اینکه در روایات اسـلامی در عباراتی کوتاه و پر معنی اشاره به این مفاسد شده است ، از جمله در روایتی از امام صادق (علیه السـلام) می خوانیم که کسی از او سؤ ال کرد لم حرم الله اللواط: چـرا خـداوند لواط را حرام کرده است فرمود: من اجل انه لو کـان اتیـان الغلام حلالا لاستغنی الرجال عـن النساء و کان فیه قطع النسل و تـعطیل الفروج و کان فی اجازه ذلک فـساد کثیر: اگر آمیزش با پسـران حلال بود مردان از زنها بی نیاز (و نسبت به آنان بی میل) مـی شدنـد، و این باعث قطع نسل انسان می شـد و باعث از بین رفتن آمیزش طبیعی جنس موافق و مخالف می گشت و این کار مفاسد زیاد اخلاقی و اجتماعی ببار می آورد.(۱۲)

ذکر این نـکته نیز قابل توجه است که اسـلام یکی از مجازاتهائی را که برای چنین افرادی قائل شده آنست که ازدواج خواهر و مادر و دختر شـخص مفعول بر فاعل حرام است یعنی اگر چنین کاری قبل از ازدواج صورت گرفته شـد، این زنان برای او حرام ابدی می شوند.

کشیده شدن افراد به ایـنـگونه انحراف جنسی علل بسیار مختلفی دارد و حتی گاهی طرز رفتار پدر و مادر با فرزندان خود، و یا عدم مراقبت از فرزندان همجنس ، و طرز معاشرت و خواب آنها با هم در خانه ممکن است از عوامل این آلودگی گردد.

گاهی ممکن است انحراف اخلاقی دیگر سر از این انحراف بیرون آورد.

قابـل توجه این که در حالاـت قوم لوط می خوانیم که عامـل آلودگی آنها به این گناه این بود که آنها مردمی بخیل بودنـد و چـون شهرهـای آنها بر سـر راه کاروانهای شام قرار داشت و آنها نمی خواسـتند از میهمانان و عابرین پـذیرائی کننـد در آغاز چنین به آنها وانمود می کردنـد که قصـد تجـاوز جنسـی به آنـان دارنـد تـا میهمانان و عابرین را از خود فرار دهنـد، ولی این عـمـل تـدریـجا بـه صورت عادت برای آنها در آمـد و تمایلات انحراف جنسـی تدریجا در وجود آنها بیدار شد و کارشان به جائی رسـید که از فرق تا قدم آلوده شدند.

حتی شوخی های بی موردی که گاهی در میان پسران و یا دختران نسبت به همجنسان خود مـی شود گاهی انگیزه کشـیده شدن بـه این انحرافات می گردد، بـه هر حال بایـد به دقت مراقب اینگونه مسائل بود، و آلودگان را به سـرعت نجات داد و از خدا در این راه توفیق طلبید.(۱۳)

در حـدیثی از پیـامبر گرامی اسـلام (صـلی اللّه علیه و آله) می خوانیم : لا یجـد ریـح الجنـه زنـوق ، و هـو المخنث !: بوی بهشت به مشام کسی که مورد همجنس گرائی واقع می شود نخواهد رسید!

در حـدیـث دیـگـری از حضرت عـلی (عـلیـه السـلام) می خوانیم که لواط را در سر حد کفر معرفی فرموده است.(۱۴)

در حـدیثی از امـام علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) در فلسـفه تحریم همجنس گرائی چـنـین آمـده است : علهٔ تحریم الـذکران للـذکران ، و الاناث للاناث ، لما رکب فی الاناث و ما طبـع علیـه الـذکران ، و لمـا فـی اتیان الـذکران ، الـذکران و الاناث للاناث ، من انقطاع النسل ، و فـساد التـدبیر، و خراب الـدنیا: فلسـفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنـان ایـن اســت کـه ایـن امـر بر خلاف طبیعتی است که خداونـد برای زن و مرد قرار داده (و مخـالفت بـا این ساختمـان فطری و طبیعی ، سـبب انحراف روح و جسم انسـان خواهد شد) و به خـاطـر ایـن اســت کـه اگـر مـردان و زنـان هـمـجـنـس گـرا شــونـد، نـسـل بـشـر قـطع می گردد، و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می گراید، و دنیا به ویرانی می کشد.(۱۵)

این مساله تا به آنجا از دیدگاه اسلام زشت و ننگین است که در ابواب حدود اسـلامی حد آن بـدون شـک اعـدام شــمـرده شــده اســت ، و حـتـی بـرای کـسـانـی کـه مـراحـل پـائیـنـتر همجنس گرائی را انجام می دهند مجازاتهای شدیدی ذکر شده ، از جمله در

حدیثی از پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله) می خوانیم : من قبل غلاما من شهوه الجمه الله یوم القیامه بلجام من نار: کسی که پسری را از روی شهوت ببوسد خداوند در روز قیامت لجامی از آتش بر دهان او می زند!. مجازات کسی که مرتکب چنین عملی شود از سی تا ۹۹ تازیانه ذکر شده است . به هر حال شک نیست که انحراف جنسی از خطرناکترین انحرافاتی است که ممکن است در جوامع انسانی پیدا شود، چرا که سایه شوم خود را بر همه مسائل اخلاقی می افکند و انسان را به انحراف عاطفی می کشاند.(۱۶)

و در روایتی دیگر هم آمده است که مولا علی علیه السلام فرموده اند:

فرض الله الایمان یطهر من الشرك ... و ترك اللواط تکثیراً للنسل.

خداوند ایمان را برای پاك کردن از لوث شرك واجب فرمود ... و ترك لواط را از بهر افزاش نسل.(۱۷)

حضرت علی علیه السلام درباره ی فلسفه تحریم لواط می فرماید:

خداوند ترك زنا را واجب کرد تا نسب های بین افراد حفظ شود و ترك لواط را واجب نمود تا نسل انسان تکثیر شود.(۱۸)

این مباشرت و معاشرت ها به زن و مرد محدود نمی شود؛ بلکه رابطه مرد با مرد و زن با زن را هم شامل می شود مردها به لواط و زنها به مساحقه اکتفاء می کنند، در نتیجه اثر سوء قطع نسل را به دنبال خواهد داشت.

فصل ششم

همجنس بازی از دیدگاه روایات

لواط یکی از گناهانی است که به کبیره بودن آن تصریح شده است. حرمت و عقوبت آن هم از زنا شدیدتر می باشد.

۱- حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

«حرمت لواط از زنا بیشتر است، به درستی که خداوند قومی را برای عمل لواط هلاك فرمود (قوم لوط) ولی کسی را برای زنا هلاك نفرمود».(۱۹)

۲- پیدا کردن شهوت زنانگی

امام علی علیه السلام می فرماید:

هیچ کس از روی میل خود تمیکن نمی کند که با او ملاعبه شود، مگر اینکه خداوند شهوت زنان را بر او القاء می کند. (ما امکن احد من نفسه طائعاً یلعب به الا القی الله علیه شهوه النساء)(۲۰)

۳- دعوت به سوی خود

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من الح فی وطی الرجال لم یمت حتی یدعوا الرجال الی نفسه»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: هر کس در وطی با مردان الحاح و اصرار کند، نمی میرد مگر اینکه مردان را (برای عمل جنسی) به سوی خود دعوت می کند.(۲۱)

۴- قطع نسل

یکی از آثار سوء هم جنس خواهی ، ترك ازدواج و درنتیجه عدم زاد و ولد است.

در روایات و منابع اسلامی، لواط موجب قطع نسل شناخته شده است.

۵- گسترش فساد و فحشاء

از امام صادق علیه السلام سئوال شد که چرا خداوند لواط را حرام کرده است؟

فرمود: زیرا اگر وطی پسر بـا پسر حلال بود، مردان از زنان بی نیاز می شدنـد و در این کار قطع نسل بود و دیگر مردها سـراغ زنان نمی رفتند و با مجاز بودن این کار فساد زیاد می شد.(۲۲)

۶- برای امتم می ترسم

قـال رسول الله صـلی الله علیه و آله: « ان اخوف ما اخاف علی امتی من عمل قوم لوط، بیشترین چیزی که برای امتم از آن می ترسـم عمل قوم لوط است».(۲۳)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من وجدتموه یعمل عمل قوم لوط، فاقتلوا الفاعل و المفعول به، اگر دیدید کسی کار قوم لوط را می کند، کننده و دهنده را بکشید».(۲۴)

۷- غضب خدا

رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمودند: کسـی که با پسـری جمع شود روز قیامت جنب وارد محشـر می شود و آب دنیا او را پاک نمی کند و خشم خدا بر او است و او را لعنت فرموده، دوزخ را برایش آماده می فرماید و بدجایگاهی است.

سپس فرمود: هرگـاه کسـی لواط کنـد، عرش خـدا بلرزه در آیـد و خداونـد او را لعنت و غضب فرموده و جهنم را برایش آماده می فرماید و ملوط (مفعول) را در کنار جهنم نگاه می دارند تا خلایق از حساب فارغ شوند، پس او را در جهنم می اندازند و در طبقات دوزخ همیشه معذب خواهد بود.(۲۵)

و چنین روایتی هم از وجود نازنین آقا امام صادق علیه ا لسلام در کتاب عین الحیوه علامه مجلسی در صفحه ۴۰۱ نقل شده است.

۸- لواط کننده

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الا لعنه الله الملائکه و الناس اجمعین ... علی ناکح یده و علی من اتی الذُکران من اللعالمین.

هان لعنت خدا و فرشـتگان و مردم همگی بر کسی که خودارضایی کند و بر هر کسی که به غلامبازگی(لواط با جنس مذکر) روی آورد.(۲۶)

۹- لواط کفر است

حذیفه بن منصور گفت که از حضـرت صادق علیه السـلام از لواط که از گناهان کبیره است پرسیدم، حضرت فرمود: ما بین دو ران است، پرسـیدم از کسـی که در دبر دخول می نمایـد فرمود: که این عمل کفر و انکار آنچه خدا بر پیغمبرش فرسـتاده می باشد یعنی انکار قرآن است. (۲۷)

۱۰- از رسول خدا صلی الله علیه و آله منقول است: هر که به حرام با زنی جماع کند یا با مردی یا پسری اغلام کند(جمع شود) خدا او را در قیـامت محشورگردانـد و از مردار گندیـده تر که مردم از بوی او متـأذی باشـند، به جهنم داخل شود و خـدا از او قبول نکند هیـچ عملی را و اعمالش را همه ضـبط نماید و او را در تابوتی داخل کند و بفرماید که او را به میخهای آهن بر آن تابوت بدوزند و در عذابی باشند که اگر رگی از رگهای او را بر ۴۰۰ هزار کس بگذارند همه بمیرند و از همه کس عذابش بیشتر باشد.(۲۸)

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمودند: حرمت اغلام زیاده از زناست زیرا حق تعالی با اغلام امتی را هلاک کرد (یعنی قوم لوط را) و کسی را به زنا در دنیا هلاک نکرد.(۲۹)

۱۲- حضـرت امیرالمومنین علیه السـلام فرمود: لواط آن است که در پایین تر از دبر با او مباشـرت کند و مباشـرت کردن در دبر کفر است به خدا.(۳۰)

۱۳- قـال الصـادق علیه السـلام: حرم الله علی کل دبر مسـتنکح الجلوس علی اسـتبرق الجنه، خداونـد نشسـتن بر اسـتبرق بهشت را بر دبرهای نکاح شده حرام کرده است»(۳۱)

۱۴- امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عالمیان می فرماید به عزت و جلال خودم قسم می خورم که بر استبرق و حریر بهشت نمی

نشیند کسی که مردم در دبر او وطی کنند.(۳۲)

۱۵- سنگ عذاب هنگام مرگ

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که: نیست بنده ای که عمل قوم لوط را حلال بداند (و در روایت دیگر کسی که بر لواط کردن اصرار داشته باشد) نمی میرد. مگر اینکه در آن ساعت خداوند بر او سنگی از همان سنگهای عذابی که قوم لوط بارید، می اندازد و مرگ وی در خوردن همان سنگ است و برای اینکه رسوا نشود خداوند از آن سنگ را از نظر خلق پوشیده است.(۳۳)

۱۶- غلامی که مولایش را کشت

در زمان عمر، غلامی که مولای خودش را کشته بود پس از اقرار، عمر امر به کشتنش نمود، حضرت امیرالمومنین علیه السلام از غلام پرسید چرا مولای خودت را کشتی؟ عرض کرد با زور با من لواط کرد پس او را کشتم آن حضرت از اولیای مقتول پرسید آیا او را دفن کرده اید؟ گفتند: آری هم اکنون از دفنش می آییم پس به عمر فرمود: غلام را تا سه روز نگهدار و پس از سه روز اولیای مقتول حاضر شوند.

لاطی به قوم لوط ملحق می شود:

پس از گذشتن سه روز آن حضرت به اتفاق عمر و اولیای مقتول بر سر قبرش آمدند از اولیایش پرسیدند این قبر صاحب شماست؟ گفتند: آری. سپس فرمود: قبر را بشکافید تا به لحد برسید چون به لحد رسیدند و آن را برداشتند جنازه را ندیدند، پس آن حضرت تکبیر گفت و فرمود: به خدا سوگند دروغ نگفتم. و هرگز دروغ بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نبسته ام. شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از امت من، عمل قوم لوط را مرتکب شود و بدون توبه از دنیا برود پس در قبرش بیش از سه روز نمی ماند تا اینکه زمین او را فرو می برد و به جایی که قوم لوط هستند و هلاک گردیده اند ملحق می نماید پس در زمره ی ایشان محشور می شود.(۳۴)

پس از آن فرمود: غلام را آزاد کنید، زیرا آقای خود را به حق به قتل رسانیده است و جرم و گناهی ندارد.

در این هنگام عمر فریاد زد و گفت: یا علی! همه ی قضاوتهای تو عجیب است و این از همه ی آنها عجیب تر است، خداوند مرا بعد از تو باقی نگذارد. (۳۵)

۱۷- لواط هم فاحشه و زشت است

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: بترس و ترک زنا و لواط را و لواط بدتر از زنا است و این دو گناه موجب هفتاد و دو گونه درد در دنیا و آخرت برای صاحبش می شود.(۳۶)

(اتق الزنا و اللواط و هو اشد من الزنا و هما یورثان صاحبها اثنین و سبعین داء فی الدنیا و الآخره)

در قرآن مجید چنانچه از زنا به فاحشه تعبیر فرموده این عمل شنیع را هم فاحشه خوانده چنانچه در سوره اعراف می فرماید:

« لوط بر قوم خود گفت: آیا کاری را می کنید که در نهایت زشتی است، پیش از شما کسی از افراد بشر گرد چنین کار زشتی نگشته آیا شما با مردان جمع می شوید در هنگام شهوت زنان را رها می کنید بلکه شما سراف کنندگانید».(۳۷)

چه اسرافی بدتر از اینکه نطفه ای که به منزله ی بذر است برای بقاء نوع و نسل انسان و باید در رحم زن قرار گیرد در غیر محلی که خدا قرار داده بریزد.

برای تهدید دیگران از نزدیک شدن به این عمل خلاف انسانی در سوره های اعراف، هود، نمل، عنکبوت، قمر و نجم و قوم لوط را یادآوری و کیفیت عذاب ایشان را متذکر می شود باشد که دیگران اندرزی بگیرند.

از پیامبر اسلام (صلی اللّه علیه و آله) می خوانیم لما عمل قوم لوط ما عملوا بکت الارض الی ربها حتی بلغ دموعها الی السماء، بکت السماء حتی بلغ دموعها العرض ، فاوحی الله الی السماء ان احصبیهم ، و اوحی الی الارض ان اخسفی بهم : هنگامی که قوم لوط آن

اعمال ننگین را انجام دادند زمین آنچنان ناله و گریه سر داد که اشکهایش به آسمان رسید، و آسمان آنچنان گریه کرد که اشکهایش به عرش رسید، در این هنگام خداوند به آسمان وحی فرستاد که آنها را سنگباران کن ! و به زمین وحی فرستاد که آنها را فرو بر! (بدیهی است گریه و اشک جنبه تشبیه و کنایه دارد).

و در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که پیامبر (صلی اللّه علیه و آله و سلّم) فرمود: من جامع غلاما جاء یوم القیامهٔ جنبا لا ینقیه ماء الدنیا و غضب الله علیه و لعنه و اعد له جهنم و سائت مصیرا... ثم قال ان الذکر یرکب الذکر فیهتز العرض لذلک : هر کس با نوجوانی آمیزش جنسی کند روز قیامت ناپاک وارد محشر می شود، آنچنان که تمام آبهای جهان او را پاک نخواهند کرد، و خداوند او را غضب می کند و از رحمت خویش دور می دارد و دوزخ را برای او آماده ساخته است و چه بد جایگاهی است ... سپس فرمود: هر گاه جنس مذکر با مذکر آمیزش کند عرش خداوند به لرزه در می آید.

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: آنها که تن به چنین کاری در می دهند بازماندگان سدوم (قوم لوط) هستند سپس اضافه فرمود: من نمی گویم از فرزندان آنها هستند ولی از طینت آنها هستند سؤال شد همان شهر سدوم که زیرورو شد، فرمود: آری چهار شهر بودند سدوم و صریم و لدنا و غمیرا (عمورا).

در روایت دیگری از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می خوانیم که فرمود: از پیامبر (صلی اللّه علیه و آله) شنیدم چنین می گفت : لعن الله المتشبهین من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال : لعنت خدا بر آن مردانی باد که خود را شبیه زنان می سازند، (با مردان آمیزش جنسی می کنند) و لعنت خدا بر زنانی باد که خود را شبیه مردان می کنند.(۳۸)

مساحقه

یکی از کبائری که در نصوص معتبر بر آن وعده عذاب داده شده و علاوه بر آن حد معین شده، مساحقه است.

زنی به حضرت صادق علیه السلام گفت: زنانی که با یکدیگر مساحقه می کنند (فرج خود را به فرج یکدیگر می مالند) حدشان چیست؟

امام علیه السلام فرمود: حد زنا است (یکصد تازیانه) به راستی چون قیامت شود آنها را می آورند و لباسهایی از آتش بریده شده بر آنها می پوشانند ، و مقنعه هایی آتشین بر سرشان می بندند و زیر جامه هایی آتشین به بدنشان می پوشانند، و عمودهای آتشین در جوفشان فرو می کنند و آنها را در جهنم می اندازند. ای زن! اولین قومی که مساحقه بینشان رواج یافت، قوم لوط بودند که مردها به عمل لواط سرگرم شدند و زنان بی شوهر ماندند. پس به یکدیگر مشغول شدند چنانچه مردان با هم مشغول بودند. (وسائل الشیعه/ کتاب النکاح/ باب ۲۴/ ج ۱۴/ ص ۲۶) (و هنگام نزول عذاب همگی به هلاکت رسیدند). (۳۹)

و در حدیث دیگر فرمود: به خدا سوگند، مساحقه زنای بزرگ است.(۴۰)

و نیز حضرت در پاسخ زنی که از مساحقه زنان با یکدیگر پرسید، فرمود: در جهنم اند. چون قیامت شود، چادرهایی از آتش بر آنها پوشیده می گردد و عمودهای آتشین در باطن و عورتهایشان داخل می کنند و آنها را در جهنم می اندازند. زن گفت: از این عمل، در قرآن مجید یادی نشده؟ فرمود: بلی. عرض کردم: کجا؟ فرمود: و اصحاب الرس(۴۱) و (۴۲)

در تفسیر صافی، روایت مفصلی از حضرت امیرالمومنین علیه السلام درباره ی اصحاب رس نقل کرده است. و همچنین مرحوم مجلسی هم آن را در جلد سوم حیوه القلوب ذکر فرموده است. برای اطلاع از سرگذشت ایشان و گناهانی که مرتکب می شدند که از آن جمله مساحقه زنان بودن، به کتب مزبور مراجعه شود.

کیفیت هلاکتشان را اینطور بیان می فرماید: که خداوند باد سرخی بر آنها فرستاد و زمین آنها هم آتش فشانی کرد و ابر سیاهی بالای سرشان نمودار شد و بر آن صاعقه بارید ، به طوری که همه را آب کرد هلاک ساخت.

حد سحق

هرگـاه زن، چهـارمرتبه به این عمـل حرام اقرار کرد، یا چهارمرد عادل شـهادت دادنـد، بایـد هر یک از آن دو زن را یکصـد تازیانه بزنند. و در صورتی که پیش از اقرار یا شهادت عدول توبه کرده باشند، حد ساقط می شود.
خوابیـدن دو مرد یـا دو زن عریـان بـا هم زیر یـک لحاف به طوری که حائلی بینشان نباشـد حرام است. و اگر نزد حاکم شـرع ثابت شود، بایـد آنها را به کمتر از یکصد تازیانه (به هر اندازه که صـلاح بداند) تعزیر و تأدیب کند و در چند روایت حدشان را یکصـد تازیانه ذکر کرده است.(۴۳)

فصل هفتم

همجنس گرایی از دیدگاه جامعه شناسی

جنسیت بیمارانه

هر نوع بیمـاری روانی، خواه ناشـی از دلایـل «جسـمی- روحی» باشـد و یا به طور جـداگانه از عوارض عصبی یا روانی ناشـی شود، مسائل جنسی متعددی را مطرح می کند.
خصوصـیت برجسـته ی انحرافات جنسی عبارت است از ابرام مطلق فرد منحرف در دنبال کردن شیوه ی معینی برای تحصیل ارضای جنسـی که از نقطه نظر پزشکی ، بیمـارانه و نابهنجـار است. تعریف این نابهنجـاری دو وجه دارد: اول، خصـلت کودکـانه ی ارضاء حاصله: شیوه ی مورد استفاده در این وجه ناشی از توقف فرد در یکی از مراحل کودکانه ی رشد جنسی است. دوم، تکرار سماجت آمیز اعمـال منحرفانه ای که به صورت امر بزرگ زنـدگی فرد در می آیـد. این نوع افراد را به غلط عقـده ای های جنسـی توصـیف کرده انـد: در واقع کسـی که بایـد منحرف به حساب آورده شود در جسـتجوی ارضایی است که نباید در پی آن بوده باشد، یا نباید دیگر به دنبـال آن برود، در حـالی که « عقـده ای» خود را مجبور به اعمـالی می بینـد که از آن هـا بیزار است و از این که خود را از روی ناچاری در معرض آن اعمال قرار می دهد رنج می برد.

هم جنس گرایی

هم جنس گرایی از نظر بعضـی ها یکی از عادی ترین شیوه های جنیست است، عده ای دیگر آن را گناهی نفرت انگیز می دانند، و بالاـخره بـاز هـم از نظر عـده ای دیگر گرایشـی اسـت که همه ی افراد به طرزی کم و بیش فعالاـنه و کم و بیش آگاهـانه آن را در دوران ما قبل شـباب « می گذراننـد» ولی در کسانی که صـفت هم جنس گرا در موردشان اطلاق است این گرایش به طور نابهنجار مداومت پیدا می کند و به صورت رفتار جنسی آن ها در سن بلوغ در می آید.

۱-نظریه ای که هم جنس گرایی را تبیین جنسیت بهنجار می داند

احتجاج های تاریخی:

سـابقه ی هم جنس بازی به قـدمت جهان است. حتی افلاطون هم فصول هیجان آمیزی را در آثارش وقف آن کرده است. تاریـخ و اسـاطیر یونـان باسـتان پر از نمونه هـایی است که طبق آن ها هم جنس بازی در موارد مختلف ظاهراً وسـیله ای برای بالیـدن صـفات مردانه بودده است. «محبوب» و «دوسـتدار» به صورت رفقای میـدان ها به جنگ در می آمدنـد و یاران یکدیگر در مبارزات سیاسـی می شدنـد. مـدارکی را که حکـایت از پـذیرفته بودن هم جنس بازی می کنـد می توان در بسیاری از تمـدن های (مصـری، ژاپنی) مشاهـده کرد. «نورمان ها» آن را معمولاً به جرأت و شـجاعت سـربازی نسـبت می دادند. هم جنس گرایی نقش بزرگی در رنسانس ایفا کرده است. میکل آنژ معروف ترین نمونه ای است که در این مورد می توان اسم برد. در قبایل مغرب مبادرت به اسـتعمار شمال آفریقا کردند و اسپانیا را به تصرف در آوردند ، هم جنس بازی رواج فراوان داشته است.

احتجاجات زیست شناسی:

از آن جـا که مرد و زن هر دو از روی الگوی بـدنی یکسـانی سـاخته شـده انـد تنهـا فرقشـان عـدم شـباهت کالبـدی و فیزیولوژیکی مختصری است که روی هم رفته ناچیز است: هر یک از دو جنس اندام های جنسی طرف مقابل را به صورت بقایایی جنینی در خود حفظ می کنـد. حتی هورمون های زن و مرد از نظر ترکیب شـیمیایی به هم نزدیکنـد. بنابراین، پیـدا شـدن تمایل به هم جنس زاییده مختصر تغییر شیمیایی هورمون ها در جهت جنس مقابل است.

احتجاجات رفتاری:

نظر به این که روان شـناسان ثابت کرده انـد که هر یک از ما در دوره ی قبل از شـباب مرحله ای هم جنس گرایانه را طی می کنـد، پس نبایـد چندان غیر عادی به نظر رسد که بعضـی افراد در همان مرحله متوقف مانده باشـند یا در صورت پیدا شدن فرصت مساعد به آن مرحله باز گردنـد. زنـد گی فشـرده و پر آمیزشـی که در مدارس، اردوگاه ها، کشتی های زمان سابق، زندان ها و غیره بر قرار است (یا بر قرار بوده) چنین امکاناتی را نمایان می کند.

۲- نظریه ای که همجنس گرایی را گناه می داند:

این نظریه ای است متعلق به اهل فقه که در اناجیل عهـد قـدیم و عهـد جدید و در قرآن کریم هم به چشم می خورد. همجنس بازی عملی جنسـی است که خـارج از ازدواج و بر خلاـف طبیعت صورت می گیرد. این عمـل لااقل به سه دلیل نوعی معصـیت به درگاه خداوند به حساب می آید:

الف) غیر عا دی بودن هدفی که برای عشق ورزیدن انتخاب می شود.

ب) پیوندی است که قابلیت تشریع ندارد.

ج) در مورد مرد، بـا اتلاـف نطفه همراه است. پیـامبران یهودی و همچنین پـاپ (در مراسـله بـا قرنطیـان) صـریحاً هم جنس بـازی را محکوم کرده اند. محمد صلی الله علیه و آله از زبان لوط(خطاب به قومش) می گوید: « به درستی که شما به جای پرداختن به زنان میل به شهوت راندن با مردان دارید»(۴۴)

۳- برخورد پرشکی : هم جنس گرایی به عنوان انحراف در غریزه ی جنسی:

ملاحظاتی که ذیلاً ذکر می شود برای آن نیست که همجنس گرایی را معذور بدارد یا به اصطلاح مشروعیتی بدان عطا کند هر چند در مطالبی که می آیـد غرض این است که هم جنس بازی را به عنوان نوعی انحراف- و نه نوعی تبه کاری- توضـیح دهد، معذلک آن را هم چون آفتی اجتماعی که به طرزی اسـتثنایی پلید و زیان آور است در نظر می گیرد. رفتار هم جنس گرایانه برای آن که به درستی درک شود باید همراه با علل روانی- فیزیولوژیکی و اجتماعی تعینن کننده ی آن مورد مطالعه قرار گیرد.

پدیـد آمـدن هم جنس گرایی عموماً دارای جنبه ی پیشـرس است. این پدیده به عنوان یک بیماری به وسـیله ی سلسـله ی کاملی از علامات خاص خودنمایی می کند:

الف) احساس متفاوت بودن از دیگران:

اولین نشانه ای که باید توجه را جلب کند عدم رضایت فرد از پیکر خود و احساس ناقص بودن آن است. بدن با حرکات و سـکنات خود، با سایر موجودات و یا جهان ارتباط برقرار می کند. خاطرات شخصـی به خودی خود اهمیتی، یا ارزش تعینن کننده ای ندارند مگر از این نظر که کسـی یـا کسـانی از اطرافیـان و از مردم بر آن خـاطرات وقوف داشـته، آن هـا را درک و ارزیابی کرده و رأی یا نظری راجع به آن ها به هم رسانـده باشـند. غالباً دخالت ناشـیانه یا بی رحمانه ای که پدر یا مادر به صورت نهی و منع یا تنبیه اعمال می کننـد تبـدیل به عـاملی برای خودنمـایی نخستین علامـات هم جنس گرایی می شود. گـاهی این نوع دخالت ها به صورت عامل تـداعی کننـده ای چنان خاطره یا لـذتی در می آیـد که دلپذیری بی حد آن تمام چیزهای دیگر را زایل می کند و به تثبیت انحراف

منجر می گردد.

ب) آنچه در بالا گفته شـد معادل است با بیان تمام اهمیتی که انزوا در سـنین پایین فرد هم جنس گرا در بردارد. احساس ناخوشایند او نسبت به پیکر خودش در مقـایسه بـا پیکرهای دیگران (آن هایی که زیباتر و مسن ترنـد و لـذا از جهات عضـلانی و جنسـی بهتر رشـد کرده انـد) احساس عـدم امنیت به وجود می آورد و آگاهی از این حقارت نیاز به قبولاندن خود، به بخشایاندن خود، از طریق تسلیم شدن به آن «دیگری» را بر می انگیزد.

ج) فاجعه ی این هیکل ناقص، ضمیمه و ملازمی دارد:

که عبـارت از علاـقه ی فرد هم جنس گرا به لباس های عجیب و جلف، آراسـتن پیکر خود ، مواظبت از آن، بها دادن به آن و مورد توجه قرار دادن آن است. اگر تماشاگری نباشد خود فرد جای تماشاگر را می گیرد و در صدد بر می آید چهره ی خودش را تماشا کند (اسطوره ی نارسیس)(۴۵) او در این جا به مرحله ی خودسـتایی [کذا = شـیفتگی نسبت به خود] می رسد (پی در پی در آینه نگـاه کردن، افراط در آرایش، علاـقه ی غیر عـادی به لباس های شـکیل و غیره). در مرحله ای که از لحاظ آسـیب شـناختی اهمیت بالاتری دارد پای اسـتمناء مفرط به میان می آیـد که خود نوعی هم جنس گرایی خالص است این عمل در واقع یکی دیگر از شـیوه های خودشیفتگی است.

به عبارت دیگر روشـی است که فرد می خواهد از طریق آن به خودش ثابت کند که پیکر او از نظر وظایف الاعضایی کم و کسـری نـدارد. هـم جنس گرایی جسـتجوی مسـتمر و دلهره آمیز «خویشـتن» دیگری اسـت کـه از نایـل آمـدن هم جنس گرا به بلـوغ، یعنی روآوردن او به دیگران – به جنس مقابل- جلوگیری می کند.

د) کثرت طرف های مقابل:

سال هـای مـا قبـل شـباب دوره ای است که در آن وقوع همه چیز ممکن است ، ولی برای رسـیدن به بلوغ بیشتر بایـد به یک بخش قناعت کرد و بنابراین «صـرف نظر کردن» را پذیرفت. این گفته چه در انتخاب رشـته ی تحصـیلی و چه در زمینه های عشقی به یک انـدازه صـدق می کنـد. «میـل نکردن» برابر بـا محکوم کردن خود به عـدم تکامل است. در عشق [بچه گانه یا بیمارانه] مصـداق این حکم عبارت است از وقف کردن خود به طرف های متعدد و ماهیتاً وفادار نبودن. همه می دانیم که حتی نوجوانان معمولی [بهنجار] بـا چه سـهولتی عشق های کوچک و لاس های کودکانه ی خود را برقرار می کننـد و آن ها را به هم می زننـد.کثرت انتخاب ها در واقع یکی از عوامـل مهم پیونـدهای هم جنس گرایانه است. این کثرت و تنوع، با توزیع و انتشار «خویشـتن » های دیگر – آن هم به شیوه ای چنـان فراگیر که حضورشـان همه جا و در تمام لحظات احساس می شود سـدی از اعتماد و اطمینان در برابر دلهره به وجود می آورد. در عین حال، دسـتپاچگی و فوریتی هم که از خصوصـیات جدایی ناپذیر همجنس بازی است، به طوری که باید در اولین مکان قابل دسترسی: در رخت کن، در توالت، در پارک ها و غیره به انجام برسد، از همین جا سرچشمه می گیرد. البته به این ترتیب یکی دیگر از ویژگی های هم جنس بازی که اختصار و سـرعت آن است و آشکارا نشان می دهد که صرفاً جنبه ی جسمانی دارد (و هرگونه تبادل افکار و احساسات در آن به طور مشـهود منتفی است) توضیـح داده می شود. پیونـد هم جنس گرایانه حتی هنگامی کـه از قـوه بـه فعـل در می آیـد و موجـودیتش را در عرصـه ای واقعـاً اجتمـاعی برقرار می کنـد، جلـوی ایـن پرسـه ی بی وقفه، این جسـتجوی تنـوع دائمـاً تکرار شونـده، ایـن زغبت بی صـبرانه به «طرف» تـازه، و این بی قراری برای عمـل سـریع را نمی گیرد. چنین پیوندی کمتر از پیوند جنسی سالم و متعارف بر اثر عدم وفاداری دچار اختلال می شود. عدم وفاداری ، به نحوی بسیار تناقض آمیز، در این جـا وسـیله ای برای محکم کردن پیونـد است (چیزی که در بعضـی ازدواج هـای کنونی هم به چشم می خورد). چرا؟ چون آنچه هم جنس گرا در جای دیگر به دنبالش می گردد، نوعی تقویت و تسـلاست که به نوبه ی خود بایـد به او اجازه دهـد تا پیوند اصلی را تحکیم کند. این نکته درمورد زوج های همجنس گرا [زن و شوهری که هر دو هم جنس بازند] نیز صدق می کند. ازدواج

این ها پایدار نمی ماند مگر آن که هر کدام ماجراهای هم جنس گرایانه ی متعددی برای خود داشته باشد.

ه) در اینجا با روان شناسی مسکن و منزل و مأوا سر و کار پیدا می کنیم:

پیوند هم جنس گرایانه ی پابرجا و یا ازدواج متعارف هیچ کدام مأمن هایی نیستند که برای هم جنس گرا به قدر کافی مطمئن ، به قدر کافی مسدود و به قدر کافی محفوظ باشند. او در این مقام ها جلو چشم است، زیر نظر است بیش از حد در معرض دیده شدن از بیرون قرار دارد. همجنس گرا در واقع دوست ندارد خود را مقید کند، خود را از نقطه نظرهای اجتماعی یا شغلی بشناساند.

این ملاحظات ، تمام اهمیت قضیه در پیدایش نخستین روابط جنسی را در ارتباط با مأوایی قرار می دهد که فرد در آن ایمن است، در آن می خورد و می خوابد (به یاد عبارتی می افتیم که در زبان انگلیسی برای «عمل عشق بازی» وجود داردwith sleep (خوابیدن با ...) خوابیدن با کسی اعتماد کردن به آن کس است. به همین ترتیب، لذت بردن از کسی که به معنای آن است که شخص دل به دریا بزند، خود را جسماً به طرف مقابل واگذارد و البته تاوان آن را هم بپردازد. دردهای واقعاً عضوی و جسمانی که از روبرو شدن با عدم وفاداری عارضمی شود با همین ملاحظات اخیر ارتباط پیدا می کند.

در دنیای مأنوس و اطمینان بخشی که در اطراف یک کودک بیش از حد نازپرورده بنا می شود، فردی که از جنس مخالف باشد، یک دشمن است، بیگانه ای نگران کننده و غریبی است که رفتارش غیر قابل پیش بینی است، برجستگی های بدنش از نوعی دیگر است، جوهر و ساختمانی متفاوت دارد. شخصی که از جنس مقابل است، ناپذیرفتنی است، نماینده ی دنیای بیگانه ای است که هم جنس گرا نمی توانسته است خود را با آن هماهنگ کند، نمی توانسته است خود را با آن سازگاری دهد. او احساس می کند که به «درون» راهش نمی دهند. به کسی می ماند که گویی « در بیرون» به زندانش انداخته اند. این نکته، منشأ و توضیح دهنده ی تلاش های پرسوز و گداز کسانی است که سعی دارند هم جنس بازی را توجیه کنند و آن را « شیوه ی بهنجار دیگری» برای حل مسئله جنسی معرفی نمایند.

به سبب درک ناقص اندیشه های نوین روان شناختی، اینک شاهد نشو و نمای شیوه ی بسیار زیان آوری در تربیت کودکان هستیم که می توان آن را ترور اجتماعی نامید. سابقاً بچه از پدر می ترسید. امروز غالباً مشاهده می کنیم که پدر خود به بچه تعلیم می دهد که از جامعه بترسد. با از میان برداشته شدن تنبیه بدنی و توبیخ مستقیم و منع مبتنی بر انگیزه، فرد امروزی دفاع خود را با نوعی قضا و قدرگرایی تسلیم آمیز، در پشت استحکاماتی جستجو می کند که «امر اجتماعی» نامیده می شود و فعال ما یشاء است.

غالباً خود پدر کسی است که از همان ابتدا، ترسی را که خودش از جامعه دارد به فرزند منتقل می کند. او با پوزخندی حاکی از بی حوصلگی هشدار می دهد که اگر هم رنگ جماعت نباشی، اگر خود را با خلایق سازگار نکنی، تنها خواهی ماند، به بازیت نخواهند گرفت، حتی شاید به زندانت خواهند انداخت.

به این ترتیب، عصر تسطیح است، عصر محو شدن تفاوت هاست، ترسیم خطوط جدا کننده ی خیر از شر، فاعل از منفعل و مردانه از زنانه را بیش از پیش مبهم می کند تا در عوض فقط آنچه را که برای « جامعه» قابل قبول یا غیر قابل قبول است مورد تاکید قرار دهد.

می توان درک کرد که از آن به بعد، کسانی که «منِ» آن ها ضعیف است و به سرعت مرعوب می شوند، این از دست دادن استقلال و آزادی رأی را می پذیرند، ماشین وار به اطاعت او در می آیند ، با تمام توان فریاد می کشند که از این که چنین باشند خوش وقت اند، ولی در همان حال به دنیای خصوصی افکار نهفته و اعمال نهانی- تنها عواملی که قادرند اصالت ذاتی زندگی بشر را تضمین کنند- پناه می برند. این روزها اغلب می شنویم که زندگی خانوادگی دارد تغییر می کند . زندگی خانوادگی در حال تغییر نیست، در حال نابود شدن است.

در همان حال که کانون های خانوادگی، غالباً زیر فشار حاکمان از هم می پاشند- حاکمانی که به نظر می رسد در درجه ی اول

تمام هم و غم آن ها این است که کار خودشان را آسان کنند و با مقرر کردن قواعد مشترک برای همگان ، جای خود را در مسند قدرت محکم سازند- و در همان حال که به اصطلاح « توده ای شدن» همه چیز- که آن همه صحبتش را می شنویم – پایه های خود را محکم می کند (البته با به خاطر سپردن این نکته که پیش گویانی که دم از نزدیکی آن «توده ای شدن» می زنند خودشان را به واسطه ی نبوغی که برای خود قائلند از شمول آن مستثنی می دانند) ، نوعی حالت زایل شدن تفاوت جنسی به ظهور می رسد که هم جنسی گرایی نهفته یا آشکار، انعکاس زیان بخش آن را تشکیل می دهد.

گفتگو ندارد که در یونان قدیم ، مدتها پیش از افول آن، هم جنس بازی نه فقط علناً انجام می گرفت بلکه حتی عمومیت داشت و یکی از «شریف» ترین و مهم ترین جنبه های عشق را معرفی می کرد. از روی چنین سابقه ای است که امروز بعضی ها خود را متقاعد می کنند تا خواستار مشروعیت برای هم جنس گرایی در جامعه ی کنونی شدند.

برای فیصله دادن مسئله ابتدا ببینیم که نتایج عینی یک چنین جابجایی [در روابط جنسی] هنگامی که امکان تحقق آن فراهم می آمد از چه قرار بوده است. به طوری که می دانیم هم جنس بازی سابقاً در میان نورمان ها رواج داشته و نیز بین اعراب، وقتی در اوج قدرت قرار داشتند و در دربار امپراطوری آلمان و در داخل حزب نازی متداول بوده است. «لاندائو» می نویسد:

« هم جنس بازی بعداً برای اینان از سطح سکس به سطح ماوراء طبیعی ارتقاء داده شد و به صورت یک نوع عرفان تعصب آمیز در آمد».

مسلماً خلاف روح علمی است که چیزی از قبیل فلان تمایل بالفطره ی نژادی را در این جا به عنوان مسبب معرفی می کنیم و مثلاً از آن دستاویزی برای زدن برچسب آریایی گری بر پیشانی آلمانی ها بسازیم، یا بگوئیم که هم جنس بازی مختص نژاد آنگلوساکسن و در خور توصیف بریتانیایی جماعت است و یا مثلاً از سامی بودن خالص اعراب حکایت می کند این جا هم مانند تمام پدیده های روانی – اجتماعی، باید در صدد یافتن توضیح عمیق روان شناختی بود. میل به قدرت و سلطه در یک جامعه با نفرتی به نمایش در می آید که نسبت به امکانات ایجاد کننده ی نرمش و ضعف- به خصوص عشق زنان – احساس می کند. این تمایل خود را در عین حال بدین طریق نشان می دهد که کلیه امکانات رشد و بالندگی شخصی را از روی الگویی هم جنس گرایانه، به صورت امری مابه الاشتراک و همگانی در می آورد.

جای هم جنس گرایی را با ید مضافاً در فوت و فن های گشودن باب آشنایی جستجو کرد. به همین دلیل بعضی ها آن را نوعی شگرد شناخت و قاپیدن اسرار و مهارت های استاد از طرف شاگرد مبتدی و زبر و زرنگ به حساب می آورند. هم جنس بازی بنابراین نمی تواند حق وجود پیدا کند مگر در جامعه ای که مقام زن را به سطح برده ی ستایشگر و منفعل تنزل می دهد، برده ای که نقش منحصر به فرد او این است که فقط رحمی بارور برای حمل و زاییدن قهرمانان هم جنس گرایی آینده داشته باشد.

اما قاطع ترین ملاحظات پزشکی نشان می دهند که هم جنس گرایی در بیشتر موارد با کاهلی و بطالت، با نامولد بودن و عدم خلاقیت اجتماعی و با بزهکاری ملازمه دارد: نداشتن ظرفیت برای شکیبایی، برای تحمل محرومیت ها، برای قبول مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی در واقع از همان عنادهای کودکانه ای پیروی می کند که زمینه ی اصلی رفتارهای هم جنس گرایانه را تشکیل می دهد. ناپایداری روابط هم جنس بازانه به اغتشاشی منجر می شود که هر نوع ارزش آبرومندانه ای را از مناسبات انسانی می گیرد.

اگر همجنس گرایی ، و لو به طور نظری (در تئوری) چیزی شبیه به تایید و عدم مخالفت دریافت می کرد، اگر به آن اجازه می دادند که و لو تا حدودی از چارچوب(حیطه¬ی) آسیب شناختی خود خارج شود و نوعی بیماری تلقی نگردد، طولی نمی کشید که این امر موجبات انحلال زوج های مختلف الجنس [زن و شوهر] و خانواده را که شالوده های جامعه ی باختری موجود ما هستند، فراهم می آورد.

بـدیهی است که در مواردی بسـیار متعدد (مگر در مورد سادیسم) این نکته مورد توافق است که باید برای هم جنس گرایان قائل به «معایبی با کیفیات ممتاز» بود: اجتماعی بودن، روحیه ی شـهری، طبع هنری، ظرافت احساس. مع هذا این نکته به قوت خود باقی می مانـد که ملتی برخوردار از تمـدن بهنجار نمی توانـد برای چنین شـیوه ی منحرفانه ای از تبیین جنسـیت که نهایتاً فقط یکی از فصول روان شناسی درمانی است، قائل به نهاد یافتگی شود و آن را به عنوان یک نهاد به رسمیت بشناسد.(۴۶)

فصل هشتم

راههای پیشگیری از همجنس گرایی

روشهای پیشگیری

برای پیش گیری راههای مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

۱- آموزش مسائل جنسی:

یکی از راههایی که برای جلوگیری از انحرافات و بروز حالات بـد جسـمی و روانی برای نوجوانان پیشـنهاد می شود آموزش مسائل جنسی است.

این آموزش می توانـد در خـانه یـا مـدرسه صورت پـذیرد؟ البته اگر با هماهنگی و همراهی خانواده و مـدرسه این مهم انجام شود ، نتیجه بهتر و سریع تری به دست می آید، در اینجا به نقش آموزش جنسی در تربیت جنسی می پردازیم.

الف) آموزش جنسی چیست؟

آن چه در آموزش از مربی به متربی منتقل می شود مجموعه اطلاعاتی است . در مورد مسائل جنسـی هم بایـد فرض بر این باشد که متربی ذهنش خـالی است و برای عملکرد درست از امور جنسـی به اطلاعـاتی در این زمینه نیـاز دارد. بـا توجه به اینکه میـل جنسـی ماننـد سایر نیازها به ارضا نیاز دارد، فرد بایـد وظیفه اعضای خاص را شـناخته و هـدف هر کدام را مورد توجه قرار دهد؛ راه ارضای صحیح را از راه غلط بشناسد؛ و خوبی ها و بدی ها، هر یک را بداند؛ از این جهت طبیعی است که نادانسته های کودک، نوجوان و جوان، بیش از دانسته هایش می باشد و از این رو ضروری است بر عملش افزوده شود.

ب) آیا آموزش مسائل جنسی جایز است؟

در زمینه مسائـل جنسـی این سـئوال مطرح می شود که آیـا از جنبه تربیتی، آموزش مسائل جنسـی به مصـلحت فرد و جامعه است یا خیر؟ در صـورت جواز چنین آموزشـی ، تـا چه انـدازه و چگونه می توان مسائـل مزبور را بـاز کرد؟ از جمله اموری که در آموزش مسائـل جنسـی دخـالت دارد، مسـاله باورها و ارزش های اجتماعی است که مردم به آن ها پایبنـد هسـتند و برای آن ارزش قائل می شوند. در زمینه آموزش مسایل جنسی ، همه به یک صورت به آن نمی نگرند و به آن اهمیت نمی دهند. هایم گینات می گوید:

عقایـد مربوط به مسائل جنسـی نوجوان هـا، ضـد و نقیض است و انسـان در این بـاره به تضـاد ارزش ها برخورد می کنـد. به اعتقاد بعضـی پـدر و مادرهـا وقت آن رسیده است که واقعیـات تـازه ای را بپـذیریم. نگرانی این دسـته از والـدین، بیمـاری های مقاربتی، آبسـتنی ناخواسـته و آبروریزی است و تنها راه مقابله را آموزش جنسـی می داننـد. از طرفی عده ای مخالفت می کنند و می گویند : آزادی های جنسـی بی بنـدوباری را تشویق می نمایـد و تمـدن بشـری را به مخاطره می انـدازد و پـدری می گویـد: وظیفه نوجوان، مطـالعه و کسب دانش است؛ لـذا بایـد بر شـهوات نفسانی اش غالب باشـد. به اعتقاد برخی والـدین حتی بحث درباره مسائل جنسـی

درست نیست؛ چون تحریک کننده است. نوجوان علاقه مند است و می خواهد درباره مسایل جنسی هر چه بیشتر بداند؛ از ندانستن ناراحت است و خواهان جواب قانع کننده و واقع بینانه است. اگر نوجوان بتواند در بحثی جدی شرکت کند ، آزادانه حرف هایش را می زند . در اینکه آیا آموزش جنسی لازم است یا نه، باید گفت امروزه جوان های غربی از تلویزیون و سینما و مدرسه آموزش می بینند و می خوانند و می شنوند، خیابان ها منبع اطلاعات نادرست هستند.(۴۷)

ج) ضرورت طرح و آموزش مسائل جنسی

علاقه به کسب معلومات جنسی قبل از رسیدن به سن بلوغ، به صورت طبیعی در کودکان پیدا می شود و آنان به تفاوت های میان زن و مرد و بزرگ تر و کوچک تر زیاد توجه می کنند. این توجه و علاقه به کسب معلومات جنسی در کودکی رنگ و بوی جنسی ندارد؛ ولی با توجه به این که او در حال آماده شدن برای ورود به بلوغ جنسی است ، باید والدین و مربیان دلسوز آگاهی های لازم غیر تحریک کننده را به او بدهند. دختران قبل از حیض شدن باید اطلاعاتی راجع به بلوغ و آنچه یک دختر با آن دست به گریبان است ، به دست آورند تا زمانی که در آن موقعیت قرار گرفتند، بدون ترس و اضطراب به وظیفه خود عمل کنند.

پسران نیز با این که دیرتر از دختران به بلوغ جنسی می رسند، وضعیتی مشابه دارند؛ از این رو نباید آنان را از معلوماتی که در زمینه بلوغ و مسائل مربوط به آن نیازمندند، محروم گذاشت. ناگفته نماند که به مرور زمان جوانان- چه دختر و چه پسر- ظرف معلومات جنسی خود را پر خواهند کرد؛ اما پیش از آنکه افراد غیر دلسوز و بعضا ناباب منبع اطلاعات فرزندان شوند، باید مادران برای دختران و پدران برای پسران معلمی کنند و اگر خود به علت ناکافی بودن اطلاعات یا شرم و خجالت نمی توانند به این مهم ا قدام کنند، نباید دست روس هم بگذارند و بی تفاوت از کنار مهم ترین دوران زندگی فرزندان خود عبور نمایند؛ بلکه باید افراد دیگری مانند بعضی خویشاوندان، معلمان، طبیب خانواده و روحانی معتمد که این شایستگی را دارند ، به این کار وادار نمایند. والدین و مربیان وظیفه دارند آن چه خیر و صلاح فرزندان است، به آنان یاد دهند.

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید:

به فرزندان خود آن چه را که به وسیله آن خدا به آنها نفع می رساند، یاد دهید. (۴۸)

در این روایت ملاک آموزش مشخص شده، و آن رساندن نفع به فرزند است؛ حال اینکه چه چیزی به نفع متربی است، برخی از راه عقائد و ارزش های دینی و اجتماعی حاکم بر جامعه معلوم می شود و مقداری هم به تشخیص خود مربی بر می گردد.

در فرهنگ ما ایرانیان صحبت کردن درباره ی کامجویی، حکم تابو (نگفتنیها ، محرمات) دارد و والدین نیز این امور را جزء نگفتنی های زندگی قرار داده اند و هرگز با فرزندان خود در این خصوص حرف نمی زنند؛ حتی قبل ازدواج چیزی در این باره به فرزندان نمی آموزند و دختر و پسری که زن و مرد آینده هستند، اطلاعات جنسی ناقصی دارند. گویا فرهنگ ما تعمداً چشم و گوش خود را به روی این مسایل بسته و آن را قابل مطرح شدن نمی داند. حال این سئوال مطرح است که آیا دین اسلام با این شیوه ی برخورد موافق است یا خیر؟ آیا اسلام طرح مسایل جنسی را مجاز می شمارد و بلکه در مواردی آن را ضروری و قلمداد کرده است؟

معمولاً می گویند تماس جنسی که به منظور رفع نیاز جنسی صورت می گیرد، امری طبیعی است؛ همانگونه که خوردن و آشامیدن ، جهت رفع گرسنگی و تشنگی امری عادی است. در این صورت چرا نباید درباره امور جنسی صحبت کرد تا همیشه اطلاعات ناقصی از مسایل آن داشته باشیم. مگر نه این است که اطلاعات ناقص و در مواردی غلط باعث می شود رفتارهای ما که بر اساس آن اطلاعات است نیز؛ ناقص و غلط باشد. اگر زن و شوهر بدانند برخی از ناراحتی های اعصاب و بد رفتاری ها و غیره در نتیجه عدم ارضای صحیح میل جنسی است که از اطلاعات ناقص و غلط آنان از امور جنسی ناشی می شود ، شاید به خود آیند و به فکر تکمیل و تصحیح اطلاعات خود در این باره بیفتند.

از مطالب گذشته روشن شد که اسلام ارضای میل جنسی را مفید و ضروری می داند؛ به همین جهت کسب اطلاعات مفید را برای ارضای صحیح آن را نیز، لازم می شمارد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند هیچ کدام از نیازها را (که انسان به آن احتیاج داشته باشد)، رها نکرده، مگر این که (راه رفع نیازمندی را) به پیامبرش آموخته است (که به مردم بیاموزد) از جمله تعلیمات خدا به پیامبرش این بود که روزی به منبر رفت و حمد و ثنای خدا را گفت سپس فرمود: جبرئیل از طرف خدا آمده و می گوید: دختران باکره به منزله ی میوه بر درخت هستند که وقتی رسیدند و باغبان آن را نچیند، نور آفتاب آن را فاسد و باد آن را پراکنده می کند، و دختران باکره نیز زمانی که بالغ شدند و مثل سایر زنان حیض دیدند، هیچ دوایی جز شوهر کردن برای آنها نیست؛ چون آنان هم انسان هستند» (۴۹)

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: که خدا به تو سلام می رساند و می گوید: که دختران باکره به منزله میوه بر درخت هستند که وقتی رسیدند هیچ دوایی ندارند، جز این که چیده شوند، و گر نه نور آفتاب و باد آن را فاسد می کنند، و دختران باکره نیز زمانی که به رشد زنان رسیدند، هیچ دوایی جز شوهر کردن برایشان نیست، و الا آنان از فتنه در امان نیستند.(۵۰)

علاوه بر آن منابع اسلامی آیات و روایاتی وجود دارد که متکفل تبیین شیوه صحیح آمیزش جنسی است و در واقع شیوه ی آمیزش صحیح را به انسان می آموزد. پس می توان گفت که نه تنها اسلام آموزش و طرح مسائل جنسی را منع نکرده ، بلکه خود بدان اقدام کرده است. جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله از مواقعه قبل از ملاعبه با همسر نهی کردند.

علاوه بر این اسلام بر مرد سفارش می کند که بعد از رفع نیاز جنسی، فوراً خود را کنار نکشد. مطالب این چنینی ، فراوان است که در جای خود به آن ها پرداخته شده. ناگفته نماند که برای طرح این قبیل امور، باید حدودی را در نظر گرفت و حریم هایی را نگه داشت.

تغییرات جسمی و رشد ناگهانی اعضای بدن در دوران بلوغ و تحولات جنسی نمی تواند برای حالات روانی نوجوان بی اثر باشد؛ زیرا او پس از ظهور تغییرات جسمی و بدنی که بسیار سریع صورت می گیرد، نمی تواند خود را به راحتی و به طور صحیح با آن ها سازگار کند و در نتیجه دچار نوعی اضطراب، تعجب، تشویش و ناامنی می شود؛ از این رو نوجوان حساسیت پیدا می کند و هیجان های تندی در او ظاهر می شود.

برای جلوگیری از این قبیل نگرانی ها و ناراحتی های روانی در نوجوانان، باید به طریقی سازنده، آنان را قبل از رسیدن به بلوغ، از اتفاقات و تغییرات جسمی ناشی از بلوغ آگاه کرد، و بعد از بلوغ آنان را راهنمایی نمود تا مضطرب و نگران نشوند. بهترین راهی که برای جلوگیری از انحرافات و بروز حالات بدروانی برای نوجوانان پیشنهاد می شود، آموزش جنسی است. این آموزش هم می تواند در خانه و هم در مدرسه صورت پذیرد؛ البته اگر با هماهنگی و همراهی هم این مهم انجام شود، نتیجه بهتر و سریع تری گرفته می شود.

د) آثار بی توجهی به آموزش صحیح جنسی

برخی از والدین اطلاعات کمی درباره مسایل جنسی دارند و در مورد امراضی که دستگاه تناسلی را تهدید می کند، بی اطلاع هستند؛ مثلاً نمی دانند با درد قاعدگی دختران چگونه برخورد کنند . یا به سبب شرم و حیایی که بین والدین و فرزندان است ، فرزندان کم تر درباره مسایل جنسی سئوال می کنند و والدین هم نمی توانند آن چه در مورد مسایل جنسی می دانند ، به فرزندان خو منتقل کنند.

بر خلاف تصور و باور مردم، مسایل بلوغ از جمله مساله جنسی را نباید به سکوت برگزار کرد و از کنار آن گذشت. نباید نوجوان را در این زمینه به حال خود رها کرد؛ بلکه او را ازدگرگونی ها و تحولات جنسی، جسمی و روحی این دوره آگاه نمود. در صورتی که والدین و مربیان از این امر مهم غفلت کنند، زمینه به وجود آمدن آسیب ها و مشکلاتی برای فرد ایجاد خواهد شد.

برخی از آسیب هایی که نوجوانان و جوان را تهدید می کند، عبارتند از :

۱-استفاده از کانال های اطلاعاتی آلوده، غیر مطمئن و بعضاً مضر در مورد امور جنسی بر اثر ارضا نشدن حس کنجکاوی جنسی صورت می گیرد.

۲- احساس گناه و خجلت از مشاهده عوارض طبیعی بلوغ که نوعاً به انزوا ، درون گرایی و خودارضایی می انجامد.

۳- عدم اطلاع از تکلیف شرعی و وظایفی که نوجوان از نظر شرعی در قبال عوارض جسمی و جنسی این دوره دارد و در نتیجه بنیان اخلاقی و اعتقادی وی در اوان تکلیف سست می شود.

۴- بی اطلاعی نوجوان از مسائل قریب الوقوع، باعث عدم انجام تکالیف شرعی شده و نقطه شروع نامناسبی برای حیات دینی و معنوی فرد محسوب می گردد.

۵- ناآگاهی نوجوان از علایم جنسی و روانی بلوغ جنسی وی را غافلگیر و مضطرب می کند و باب کانال های اطلاعاتی جنسی دیگر را که غالباً منحرف اند و بدآموزی دارند، می گشاید.(۵۱)

۶- شکل گیری عادات و رفتارهای نابهنجار جنسی، مبتنی بر اطلاعات غلط جنسی که در زندگی به آن ها دست یافته است؛ مثلاً کسی که داشتن روابط جنسی را گناه قلمداد می کند، چنین روابطی را شامل رابطه زناشویی نیز می داند. در نتیجه آنگاه که خود در نقش یک زن یا شوهر ظاهر می شود، این طرز فکر بر رفتارهای جنسی او اثر می گذارد و موجب بروز رفتارهای نامتعادل در زمینه جنسی شده و رابطه جنسی به سردی می گراید و به اصطلاح در زمینه جنسی سرد مزاج می شود.(۵۲)

با توجه به این مسائل لازم است افراد واجد صلاحیت که مناسبات دوستانه ای با نوجوانان دارند، او را از مسایل مبتلا به جنسی خود آگاه کرده و بینش درستی درباره سیر طبیعی رشد جنسی و جسمی به وی بدهند. مرحوم سید بن طاووس از جمله دانشمندانی است که تربیت فرزند را به خصوص در زمان بلوغ مورد توجه خویش قرار داده و درباره دوره ی بلوغ مسایل مهم و سودمندی را به فرزند خویش متذکر شده اند. ایشان در بخشی از نامه ای که به مناسبت نزدیک شدن بلوغ فرزندش، محمد، نگاشته است، تشرف به تکلیف را نعمت الهی و روز تکلیف را عیدی بزرگ برای انسان می داند و به فرزندش سفارش می کند که این روز را مهم ترین روز خود به حساب آورد. ایشان برای این که صداقت خود را به چنین گفتاری نشان دهند ، مبلغی پول به رسم هدیه و عیدی برای او در نظر می گیرند. (۵۳)

ه) آثار و فوائد آموزش صحیح جنسی

روی آوردن به آموزش جنسی این فایده را دارد که جلو مشکلات را می گیرد، علاوه بر آن آثار مثبت دیگری نیز در پی خواهد داشت که عبارتند از :

۱-اجتناب از راه های غیر صحیح ارضی میل جنسی

۲- جلوگیری از اختلال در سایر روابط خانوادگی

۳- جلوگیری از دلسردی و دل زدگی از عمل جنسی

۴- رسیدن به رابطه جنسی کامل

در پرتو آگاهی های سودمند و کامل جنسی است که زن و مرد می توانند به یک رابطه کامل جنسی برسند. رابطه کامل جنسی

زمانی محقق می شود که با عشق بازی شروع شود و طرفین در آن به اوج لذت جنسی برسند. در نزدیکی کامل باید پس از عشق بازی برای مرد و زن تخلیه جنسی- و از مرد انزال کامل- صورت گیرد و بعد از آن هم وقت استراحت باشد. انزال ناقص منی آثار نامطلوبی دارد که از رابطه جنسی ناقص ناشی می شود؛ برخی از آنها عبارتند از:

- در پروستات مرد اختلال ایجاد می شود؛ غلبه خون در مجاری ادرار و ورم بیضه ها از دیگر عوارض آن است.

- اگر تحریک پذیری روحی و روانی طرفین که بر اثر تماس جسمانی به وجود آمده و می تواند روی اعصاب هر دو اثر بگذارد ، تکرار شود، آثار نامطلوبی از جمله ناتوانی جنسی در پی خواهد داشت.

- کم طاقت شدن، زود از جا در رفتن و عصبانی شدن، از دیگر خطرهای رابطه ی جنسی ناقص است؛ چون انرژی ، متراکم و سرکوب شده است و راهی برای تخلیه می جوید. البته در این خصوص بهترین راه تخلیه ، دوش آب سرد یا ولرم است.

۵- بهره کامل از آمیزش جنسی

و) شیوه آگاه کردن متربی از مسایل جنسی

آگاه نمودن متربی از مسایل جنسی ، به دو صورت امکان پذیر است:

-ارتقای دانش جنسی قبل از طرح سئوال از طرف متربی

- ارتقای دانش جنسی از طریق پاسخگویی به سئوال های جنسی

۲- توجه به عزت و کرامت انسانی

یکی دیگر از راه هایی که انسان با آن می تواند از آلوده شدن به گناه مصون بماند، توجه به عزت و کرامت خود می باشد. مسلماً هر کس برای خود، شأن و شخصیتی قائل است و حاضر نیست به سادگی آن را از دست بدهد. توجه به این مساله موجب می شود انسان بدون فکر به کاری دست نزند و اگر پیشامدی به شخصیت او آسیب رساند، در صدد جبران بر می آید. در مورد تربیت جنسی نیز، می توان از این مساله سود جست.

شخصیت و آبرو در جامعه اسلامی —و شاید جوامع غیر اسلامی- جایگاه والایی دارد و نوع مردم از انگشت نما شدن در جامعه به وسیله ی لغزش های جنسی؛ بیش تر از بی آبرویی به وسیله لغزش های دیگر هراس دارند؛ از این رو می توان از این زاویه به متربی گوشزد کرد و او را از افتادن در گرداب انحرافات جنسی بر حذرداشت. در روایتی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

هر کس برای خودش بزرگی و کرامت قائل باشد، شهوت برایش پست می شود.(۵۴)

و همین طور حضرت فرموده اند:

هر کس شرافت خویش را بشناسد ، او را از پستی شهوت مصون می دارد.

بر عکس، اگر نگرش درستی از بلوغ و مسایل آن برای نوجوان و جوان شکل نگیرد و در نتیجه آن را کم ارزش و یا بی ارزش قلمداد کند، زمینه ی گرایش به بزهکاری و انحرافات جنسی در او فراهم می شود. چه زیبا فرموده است حضرت علی علیه السلام:

از شر کسی که نفس خود را خوار کرده است، در امان نباش.(۵۵)

۳- توجه به ارزش ها

سومین راهی که در پیش گیری می تواند مورد استفاده قرار گیرد، توجه به ارزش هاست. در منابع اسلامی به این نکته توجه زیادی شده که در طول زندگی به امور ارزشمند تذکر داده شود؛ مثلاًـ هنگام طرح روابط فرزندان با والدین در منزل و بیان محدودیت های آن، وقت نماز را محور قرار می دهد و می فرماید:

ای کسانی که ایمان آوردید، کسانی که مالک آنان هستید و فرزندانی که به حد تمیز رسیده اند و هنوز بالغ نشده اند، باید هنگام

وارد شدن (بر والدین) در سه زمان اجازه بگیرند؛ بعد وارد شوند: یکی قبل از نماز صبح (وقتی که معمولاً زن و شوهر با لباس خواب هستند) دیگری بعد از (نماز) ظهر هنگامی که لباس های کامل تان را کنار می گذارید و آخر بعد از نماز عشاء.(۵۶)

با این که دعاهای متعددی برای زمان آمیزش وارد شده است که در آن هنگام خوانده شود. همه این تاکیدات برای این است که انسان از عمل جنسی، صرفا قصد لذت جویی نداشته باشد.

دوران بلوغ و ایام جوانی، دوره توجه شدید به ارزش اشیاء و زیبایی های زندگی در شئون مختلف مادی و معنوی است. اخلاق نوجوان و جوان بر معیار ارزش ها توسعه می یابد و شخصیت آنان بر همان اساس رشد می کند. «جوان بر حسب منافع خود و افکار باطنی خویش در مقابل ارزشی که برای اشیاء و اعمال و اوضاع قائل می شود، خیلی حساس است.» (۵۷)

برای متخلق شدن به اخلاق پسندیده و رسیدن به رشد شخصیت، توجه به سه نوع ارزش ضروری است:

۱-ارزش عمر ۲-ارزش زندگی ۳- ارزش اخلاقی.(۵۸)

۴- استمداد از خداوند و اهل بیت علیهم السلام

انسان باید از ادامه نگاه به زن بیگانه خودداری کند؛ زیرا نگاه پی در پی آتش شهوت را شعله ور می سازد. در صورتی که امکان ارضای میل جنسی نبود، با خواندن نماز و توسل به اهل بیت علیهم السلام به آنان پناه ببرد و از آنان کمک بخواهد.

توجه به خدا و اهل بیت علیهم السلام به نوبه خود ایمان را تقویت می کند و موجب می شود فکر گناه به ذهن انسان راه نیابد . به علاوه سبب می شود انسان به خود آید و با احساس شرم و حیا در برابر آن بزرگواران، از لغزش مصونیت یابد. (۵۹)

روایات

برای جلوگیری از پیش آمدن چنین عمل شنیعی چند چیز را که مقدمات قریبه و بعیده آن است تحریم فرموده:

نگاه شهوتی بر پسر حرام است:

۱-نگاه کردن از روی شهوت به جوان امرد (پسری که هنوز مو به صورتش در نیامده) حرام است. بلکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که: فتنه ی جوان زیبای امرد از فتنه ی دختر باکره بیشتر است. پس بر هر مسلمانی واجب است از چشمان خود نهایت مواظبت را بکند که به چنین گناه بزرگی مبتلا نشود.(۶۰)

لجام آتشین برای بوسه شهوت

۲- بوسیدن جوانی از روی شهوت حرام است. چنانچه از حضرت صادق علیه السلام است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد خداوند او را در قیامت به لجامی از آتش لجام می فرماید. (۶۱)

و از حضرت رضا علیه السلام مرویست که: هرگاه جوانی را از روی شهوت ببوسد ملائکه آسمان و ملائکه های زمین و ملائکه غضب او را لعنت کنند و جهنم برایش آماده شود و مکان بدی جایگاهش می باشد.(فقه الرضا)

و نیز از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند: کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد خداوند او را در آتش جهنم هزار سال معذب می فرماید.(۶۲)

و اگر مسلم شد که کسی جوانی را از روی شهوت بوسیده باید حد بخورد و حدش از سی تا نود تازیانه است هر قدر حاکم شرع صلاح بداند او را می زند.

خوابیدن دو مرد یا دو زن

۳- خوابیدن دو مرد در یک بستر و زیر یک لحاف در صورتی که هر دو عریان باشند حرام است و همچنین است حکم دو زن، فرقی بین محرم و بیگانه نیست.

و در چند روایت است که باید آنها را حد زد و برایش هم حد زنا معین شده یعنی آنها را یکصد تازیانه بزنند.(۶۳)

و بعضی از علماء فرموده اند چون برای خوابیدن دو مرد عریان زیر یک لحاف حد معین شده پس از گناهان کبیره است.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله مرویست که: بستر فرزندان خود را از ده سالگی جدا سازید یعنی دو برادر یا دو خواهر زیر یک لحاف از همان کوچکی نخوابند.(۶۴)

پاسخ به دو سئوال:

سئوال اول: حد لواط چقدر است؟

چون حرمت و فساد لواط بیشتر از زنا است حدش شدیدتر است و آن کشتن می باشد هرگاه لواط کننده و دهنده هر دو عاقل و بالغ باشند هر دو را باید کشت و فاعل را بوسیله ی شمشیر یا سنگسار کردن یا زنده به آتش سوزانیدن یا از بالای بلندی مانند کوه پرتاب کردن با دست و پای بسته، بایستی کشت و انتخاب نوع قتل به نظر حاکم جامع الشرایط است.

و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام مرویست که: پس از کشتن بدنش را به آتش بسوزانند و این گناه بزرگ مانند زنا به یکی از دو چیز ثابت می شود:

یکی اقرار است به اینکه فاعل یا مفعول یا هر دو به این گناه خود چهار مرتبه اقرار کنند و اگر کمتر از چهارمرتبه اقرار کند حد بر او جاری نمی شود و تنها تعزیر (تأدیب) می شود و بعضی از فقهاء فرموده اند: چهارمرتبه اقرار باید در چهار مجلس شود و شرط است در اقرار کننده بلوغ (پس اگر نابالغ باشد تادیب باید شود) و کمال عقل و حریت و اختیار (پس اگر به اجبار و اکراه بوده حد ندارد).

دوم شهادت چهار مرد عادل بالمعاینه است یعنی بگویند به چشم خود دیدیم که فلان با فلان لواط نموده و اگر گواهی دهندگان کمتر از چهار نفر باشند گواهی آنها رد می شود و حد جاری نمی گردد بلکه حد قذف بر آنها باید جاری شود و اگر شخص لاطی پیش از گواهی شهود توبه کند حد بر او جاری نمی شود و هر یک از اقرار و گواهی اگر بر دخول بر دُبُر باشد حد آن کشتن است و اگر بر تفخیذ یعنی دخول در الیه و رانها باشد حد آنها یکصد تازیانه است.(۶۵)

سئوال دوم: چرا حد لواط قتل است

۱–دو نفری که شرم و حیاء را از دست داده و از عالم انسانیت سقوط کرده و در نتیجه انحراف جنسی در جلو چشم چهار مرد با تقوی با هم جمع شوند جز جرثومه فساد چیز دیگر نیستند و اگر زنده بمانند جامعه ای را آلوده و منحرف – به مانند خود خواهند ساخت چنانچه در قوم لوط در ابتداء شیطان یک نفر را به این گناه آلوده ساخت سپس آن بدبخت دیگران را به این گناه وادار کرد تا جائیکه در برابر چشم یکدیگر مردان به مردان و زنان با زنان جمع می شدند و نیز کسی که از چنین گناه بزرگی از کار خود پشیمان نشود و توبه نکند دانسته می شود کفر و انکارش به خدا و سرای آخرت و بالجمله چنین شخص جز کشتن و سوختن او چاره دیگری نیست و نیز گوئیم:

۲- برای اینکه این گناه بزرگ در میان مسلمانان شایع نگردد که در اثر اشاعه اهمیت و قبح آن از نظرها محو گردد در دین اسلام، با اینکه برای اثبات هر موضوعی گواهی دو مرد عادل کافی است لیکن در موضوع اثبات زنا و لواط به گواهی دو نفر یا سه نفر ثابت نمی شود بلکه بر آنها جایز نیست گواهی دادن و اگر گواهی دادند بر آنها حد قذف (نسبت زنا یا لواط به مسلمان دادن) جاری می شود بلی اگر چهار مرد عادل به چشم خود ببینند دخول یا تفخیذ را می توانند گواهی دهند و به گواهی آنها ثابت می شود و حد فاعل و مفعول جاری می گردد به شرط اینکه پیش از گواهی از کردار خود پشیمان و تائب نشوند و الا حد ساقط می گردد.

و اما اقرار به اینکه در شرع اسلام هر انسان بالغ عاقل از روی اختیار و عمد به موضوعی که به زیان او است اگر یک مرتبه اقرار و اعتراف صریح کند ثابت می شود لیکن در موضوع زنا و لواط تا سه مرتبه هم ثابت نمی شود مگر اینکه چهار مرتبه تکرار کند و

احتمال مزاح یا بیماری روانی یا چیز دیگر داده نشود و این سخت گیری برای آنست که از اقرار دست بردارد و حد بر او جاری نشود و دانسته شود که این گناه آن قدر بزرگ و مبغوض است که هیچ مسلمانی به آن آلوده نمی گردد و اهمیت آن باقی بماند و از این بیان دانسته می شود سر کراهت اقرار توضیح مطلب آنکه اگر مسلمانی به گناه زنا یا لواط آلوده شد فاش کردن کردار ناروای خود و اقرار به آن مکروه است هر چند اگر نزد حاکم شرع چهار مرتبه اقرار کند و حد بر او جاری شود عذاب آخرتی قطعاً ندارد و خداوند عادل جمع نخواهد فرمود بین عقوبت دنیوی و عذاب اخروی و گنه کار پس از اجرای حد بر او قطعاً از آن گناه پاک شده است لیکن بهتر آن است که سر خود را فاش نکند و تنها با پروردگار خود این راز را در میان گذارد و از در توبه و تصرع به سوی او در آید و براستی از کردار خود پشیمان و از شرمساری نزد پروردگار سوخته و گداخته و نالان باشد امید است که خداوند به ناله های او ترحم فرموده و از آن آلودگی پاکش فرماید و البته باید تا آخر عمر بین خوف و رجا باشد یعنی هم از عقوبت آخرت بترسد و هم امید به فضل و کرم الهی داشته باشد و به عبارت دیگر نه مغرور و بیدرد و بی باك باشد به مانند اینکه کاری نکرده و گناه خود را کوچک شمرده و خود را پاک پنداشته باشد و نه یأس و ناامیدی او را بگیرد و خیال کند گناه او بزرگتر از آن است که آمرزیده شود و از این روی خدا را نخواند و از او طلب آمرزش نکند. (۶۶)

در اینجا چند روایت ذکر می شود:

۱-امیرالمومنین علیه السلام فرمود: اگر سزوار بود که کسی دو بار سنگسار شود هر آینه لواط کننده این چنین سنگساری می شد.

شریعت های آسمانی متفقاً با این خوی نکوهیده به مبارزه پرداخته اند زیرا اساس بقدری اجتماع تناسل است و لواط مانع از آن است و در نتیجه این عمل منکر اجتماع را در معرض فساد و زوال قرار می دهد به علاوه ارتکاب این عمل موجب آن می شود که روح مردانگی کودك از میان برود و سرانجام از قیام به وظائف حیاتی و اجتماع که مستلزم داشتن روح رجولیت حقیقی است عاجز ماند و صدمه ای عظیم از این راه متوجه اجتماع شود زیرا برای آنکه تناسل بر اساس صحیح انجام شود لازم است که مرد و زن در جهت رجولیت و انوثیت کامل و صحیح باشند و لواط یا نسل را از میان می برد و یا آن را ضعیف می سازد.

داستانی زیبا

توبه می کند و نمی سوزد

در فروع کافی کتاب الحدود از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که: روزی حضرت امیرالمومنین علیه السلام در میان جماعت اصحاب بودند مردی آمد و گفت یا امیرالمومنین با پسری لواط نموده ام پاکم کن، (یعنی بر من اجرای حد فرما) حضرت فرمود: برو به خانه ات شاید سودائی در طبیعت حرکت کرده باشد (چون به سبب احتمال شبهه، حد ساقط می شود لذا فرمود شاید حواست حاضر نیست و اقرارت از روی کمال عقل و شعور نیست) روز دیگر آمد و همان اقرار را کرد و خواهش اجرای حد را تکرار نمود.

حضرت ثانیاً فرمود: به منزلت رو، شاید سودائی در طبیعت حرکت کرده و چنین اقراری می کنی تا اینکه سه مرتبه بازگشته و همان طور اقرار و سپس خواهشش را تکرار کرد.

در مرتبه ی چهارم حضرت فرمود: که پیغمبر صلی الله علیه و آله در این واقعه سه حکم فرموده هر یک را می خواهی اختیار کن یکی اینکه دست و پایت را ببندند و از کوه پرتابت کنند یا اینکه با شمشیر ترا بکشند یا با آتش ترا بسوازنند؟

عرض کرد: یا علی! کدامیک از اینها دشوارتر است؟ فرمود: سوزاندن با آتش، گفت: آن را اختیار کردم.

حضرت فرمود: تهیه ی کار خودت را بکن، گفت چنین خواهم کرد، پس برخاست و دو رکعت نماز خواند سپس گفت خدایا گناهی از من سرزده که تو به آن دانایی و من از گناه تو ترسیدم و به نزد وصی رسول تو آمدم و از او خواهش کردم مرا از گناه پاک کند، او مرا بین سه نوع عقوبت مختار فرمود خداوندا من آن را که سخت تر بود انتخاب کردم از تو می خواهم که این

عقوبت را کفاره ی گناهان من گردانی و مرا در آخرت به آتش خود در جهنم نسوزانی پس گریان برخاست و د گودالی پر از آتش که برایش آماده شده بود نشست آتش از اطرافش شعله می کشید.

حضرت امیرالمومنین علیه السلام بر حالش رقت فرمود و گریان شد و اصحاب همه به گریه در آمدند، پس از آن، حضرت فرمود: برخیز ای مرد که ملائکه آسمان و زمین را به گریه در آوردی به درستی که خداوند توبه ات را پذیرفت ، برخیز و به آن گناهی که کردی نباید برگردی. (۶۷)

نکته: مشهور بین فقهاء آن است که اگر گنه کار پس از اقرار و حاضر شدن برای اجرای حد، توبه نماید امام مخیر است که حد را اجرا کند یا نکند. چنانچه در حدیث مزبور امام علیه السلام از اجرای حد صرف نظر فرمود و این اختیار اجرای حد مخصوص موردی است که گناه با اقرار گنه کار ثابت شود نه به شهادت شهود که در این صورت توبه ی گنه کار در اجرا نمودن حد تاثیری نداشته و حتماً باید حد اجرا شود.

یک مسئله:

باید دانست که مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام همیشگی است، یعنی پس از این عمل زشت دیگر هیچ وقت نمی تواند مادر و دختر و خواهر لواط دهنده را بگیرد. (۶۸)

پی نوشت ها:

(۱)- تربیت جنسی در اسلام/ ص ۱۱۳.

(۲)-همان/ ص ۱۱۶.

(۳)- تربیت جنسی در اسلام/ ص ۱۱۸.

(۴)- انتخاب همسر/ ابراهیم امینی/ ص ۳۲.

(۵)- تفسیر نمونه/ج۹/ ص ۱۹۵-۱۹۶.

(۶)- تفسیر نمونه/ج۱۶/ ص۲۵۷-۲۵۸.

(۷)- شناخت ، هدایت و تربیت نوجوان و جوان/ علی قائمی/ص ۱۶۷.

(۸)- تربیت جنسی در اسلام/ص ۱۴۸- ۱۴۹.

(۹)- بیماریهای آمیزشی و ناتوانیهای جنسی/ ص ۹۰-۹۱.

(۱۰)- همان/ ص ۹۱-۹۲.

(۱۱)- هود/ ۸۵.

(۱۲)- میزان الحکمه /ج ۱۱/ ص۵۳۶۶/ باب۳۵۸۹/ ح ۱۸۳۸۱.

(۱۳)- تفسیر نمونه/ج۹/ ص ۱۹۴-۱۹۶.

(۱۴)- عین الحیوه/ ص ۴۰۱.

(۱۵)- میزان الحکمه/ ج۱۱/ ص ۵۳۶۶/ باب ۳۵۸۹(عله التحریم اللواط)/ ح ۱۸۳۸۰.

(۱۶)- تفسیر نمونه/ ج ۱۵ / ص .

(۱۷)- میزان الحکمه/ ج۱۱/ ص ۵۳۶۷/ باب ۳۵۸۹/ ح ۱۸۳۸۲.

(۱۸)- نهج البلاغه/ حکمت/ ۲۵۲/۴.

(۱۹)– وسائل الشیعه/کتاب النکاح/ باب ۱۷/ ص ۲۴۹.

(۲۰)– میزان الحکمه/ج ۱۱/ص ۵۳۶۶/باب ۳۵۸۸/ح ۱۸۳۷۹.

(۲۱)– همان / ج ۱۱/ ص ۵۳۶۶/ باب ۳۵۸۸/ ح ۱۸۳۷۸.

(۲۲)– وسائل الشیعه/ ج ۱۴/ ص ۲۵۲.

(۲۳)– میزان الحکمه/ ج ۱۱/ ص ۵۳۶۶/ باب ۳۵۸۸/ ح ۱۸۳۷۶.

(۲۴)– همان / ج ۱۱/ ص ۵۳۶۶/ باب ۳۵۸۸ /ح ۱۸۳۷۷.

(۲۵)– وسائل الشیعه/ج ۱۴/ص ۲۴۹، عین الحیوه / ص ۴۰۱.

(۲۶)– میزان الحکمه/ ج ۱۱/ ص ۵۳۶۸/ باب ۳۵۹۰/ ح ۱۸۳۸۳.

(۲۷)– وسائل الشیعه/کتاب النکاح/ باب ۲۰/ ص ۲۵۷.

(۲۸)– عین الحیوه/ مجلسی/ ص ۴۰۰.

(۲۹)– همان/ ص ۴۰۱.

(۳۰)– همان/ ص ۴۰۱.

(۳۱)– میزان الحکمه/ ج ۱۱/ ص ۵۳۶۸/باب ۳۵۹۱/ ح ۱۸۳۸۸.

(۳۲)– عین الحیوه/ ص ۴۰۱.

(۳۳)– گناهان کبیره/ ج ۱/ ص ۲۰۴.

(۳۴)– همان/ ج ۱/ ص ۲۰۵.

(۳۵)– داستانهایی از کیفر گناهکاران/ ص ۵۸ به نقل از خزینه الجواهر/ ص ۱۳۳ و لئالی الاخبار/ج ۵/ ص ۲۰۵.

(۳۶)– گناهان کبیره/ ج ۱/ ص ۲۰۵.

(۳۷)– اعراف/۷۸ و ۷۹)

(۳۸)– تفسیر نمونه / ج ۹/ ص ۱۹۴.

(۳۹)– گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۳۲۷.

(۴۰)– همان/ ص ۳۲۷.

(۴۱)– سوره فرقان/ ۴۰.

(۴۲)– همان/ ج ۲/ ص ۳۲۸.

(۴۳)– گناهان کبیره/ ج ۲/ ص ۳۲۸.

(۴۴)– اعراف/۸۱.

(۴۵)– نارسیس در اساطیر نام مردی است که عاشق پیکر خویش است.

(۴۶)– جامعه شناسی روابط جنسی صص ۵۳ – ۶۴

(۴۷)– تربیت جنسی در اسلام/ ص ۱۶۶–۱۶۷، به نقل از روان شناسی بلوغ، هایم گینات، ترجمه مهدی قراچه داغی/ ص ۱۳۶–۱۳۸.

(۴۸)– وسائل الشیعه/ ج ۲۷/ ص ۴۵/ح ۲۳۱۷۰.

(۴۹)– وسایل الشیعه/ج ۷/ ص ۳۹.

(۵۰)– بحارالانوار/ج ۱۶/ ص ۲۲۳.

(۵۱)– مراحل رشد و تحول انسان/ ص ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۲۲۱، محمد رضا.شرفی)

(۵۲)- تربیت جنسی در اسلام/ ص ۱۷۷.

(۵۳)- همان/ ص ۱۷۷.

(۵۴)- بحارالانوار/ج۸۷/ص ۷۱ و ص ۱۳.

(۵۵)- تربیت جنسی در اسلام/ ص ۲۰۲-۲۰۳.

(۵۶)- نور/ ۵۸-۶۰.

(۵۷)- گفتار فلسفی/ص ۴۶.

(۵۸)- تربیت جنسی در اسلام/ ص ۲۰۳-۲۰۵.

(۵۹)- همان/ ص ۲۰۸-۲۰۹.

(۶۰)- وسائل الشیعه/ باب نکاح/ باب ۲۱، ص ۲۵۸) همان/ج ۱/ص ۲۰۶.

(۶۱)- همان.

(۶۲)- مستدرک/کتاب نکاح، باب ۱۷/ ص ۵۷.

(۶۳)- گناهان کبیره/ ج ۱/ ص ۲۰۷.

(۶۴)- وسائل الشیعه/ کتاب النکاح/ باب ۱۲۷/ ص ۳۰ .

(۶۵)- گناهان کبیره/ ج ۱/ ص ۲۰۸.

(۶۶)- همان/ ج ۱/ ص ۲۰۸-۲۰۹.

(۶۷)- همان/ ج ۱/ ص ۲۱۰-۲۱۱ .

(۶۸)- همان/ ج ۱/ ص ۲۱۱.

منابع

تربیت جنسی در اسلام/ حافظ ثابت/ ناشر: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم/ تابستان ۱۳۸۶.

انتخاب همسر/ ابراهیم امینی/ ناشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی/ چاپ هفدهم/ سال ۱۳۸۰.

تفسیر نمونه/ ناصر مکارم شیرازی/ انتشارات دارالکتب الاسلامیه/ چاپ بیست و نهم / سال ۱۳۸۲.

میزان الحکمه/ محمد محمدی ری شهری/ انتشارات دارالحدیث/ چاپ سوم/ سال ۱۳۸۱.

وسائل الشیعه/ شیخ حر عاملی/ موسسه آل البیت علیهم السلام/ چاپ اول/ ۱۴۰۹ق.

نهج البلاغه.

بیماریهای آمیزشی و ناتوانیهای جنسی/ مجتبی رستمی و علی اصیلیان/ انتشارات هنرهای زیبا/ چاپ اول سال ۱۳۸۴.

گناهان کبیره/ عبدالحسین دستغیب/ دفتر انتشارات اسلامی/ چاپ دوازدهم/ تابستان ۱۳۸۷.

مستدرک الوسائل/ میرزا حسین نوری/ موسسه آل البیت لاحیاء التراث/طبع دوم/ ۱۴۰۹ قمری.

جامعه شناسی روابط جنسی/ مؤلف: آندره مورالی دانینو/ مترجم: حسن پویان/ انتشارات توس/ چاپ اول، ۱۳۸۳/ چاپ حیدری

بحارالانوار/ محمد باقر مجلسی/ انتشارات: اسلامیه/ چاپ اول.

عین الحیوه/ محمد باقر مجلسی/ انتشارات کتابفروشی اسلامیه/ چاپ سوم/ زمستان ۱۳۷۷.

داستانهای شنیدنی و آموزنده از کیفر گناهکاران/ سید جواد رضوی/ ناشر: گلستان ادب/چاپ اول/ زمستان ۱۳۷۹.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».